



روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضایی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR

WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان	۱۴۰۰/۱/۱۷	رای شماره‌های ۷۸ الی ۸۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: صدور رأی وحدت رویه در موضوع حق السعی ایام بلا تکلیفی کارگر
۳	اداره کل تأمین اجتماعی ساری	۱۴۰۰/۱/۱۷	رای شماره ۸۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۵۶۳-۱۳۹۵/۱۲/۱ اداره کل تأمین اجتماعی ساری به شرکت توزیع برق استان مازندران
۴	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۱۴۰۰/۱/۱۷	رای شماره ۸۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بندهای ۱ و ۳ نامه شماره ۷۰۰/د/۵۱۱۹-۱۳۹۳/۱۱/۷ معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۶	سازمان تأمین اجتماعی	۱۴۰۰/۱/۱۷	رای شماره‌های ۸۴ و ۸۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۶-۲-۶ بخشنامه شماره ۱۳۱۹۶/۹۷/۱۰۰۰-۱۳۹۷/۱۱/۳۰ سازمان تأمین اجتماعی
۸	شورای تحصیلات دانشگاهی تبریز	۱۴۰۰/۱/۱۷	رای شماره ۸۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۲/۷ شورای تحصیلات دانشگاهی تبریز مندرج در بند ۵-۲ اطلاعیه دانشگاه در خصوص حدنصاب مرحله دوم آزمون نیمه متمرکز دکتری سال ۱۳۹۸
۱۰	هیأت وزیران	۱۴۰۰/۱/۲۱	رای شماره ۸۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند (د) ماده ۲، بند (چ) ماده ۳، بند (ت) ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی هیأت‌های حل اختلاف و نحوه رسیدگی به شکایات از شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۸ هیأت وزیران
۱۱	شورای اسلامی شهر دلیجان	۱۴۰۰/۱/۲۱	رای شماره ۱۰۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ردیف ۱ ماده ۱۹ مصوبه شماره ۱۵۴۰۸/۱۴-۱۳۹۸/۹/۶ شورای اسلامی شهر دلیجان از تاریخ تصویب
۱۳	وزارت آموزش و پرورش	۱۴۰۰/۱/۲۱	رای شماره‌های ۱۰۳ الی ۱۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بخشنامه شماره ۷۱۰/۱۵۰۰۶۵-۱۳۹۸/۸/۸ اداره کل امور اداری و تشکیلات وزارت آموزش و پرورش
۱۴	سازمان منطقه آزاد اروند	۱۳۹۹/۱۲/۵	رای شماره ۱۹۰۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بخشنامه شماره ۸۵۱۷/۳/۹۷-۱۳۹۷/۵/۱۴ مدیرعامل سازمان منطقه آزاد اروند
۱۵	وزارت آموزش و پرورش	۱۳۹۹/۱۲/۱۹	رای شماره ۱۹۳۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بخشنامه شماره ۲۲۳۵۵۵-۱۳۹۷/۱۱/۳ وزیر آموزش و پرورش در حدی که برقراری فوق‌العاده ویژه به جای حق التدریس جهت جبران حق الزحمه ساعت تدریس اضافی فاقد وجهت قانونی است
۱۶	سازمان سنجش آموزش کشور	۱۳۹۹/۱۲/۱۹	رای شماره ۱۹۳۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تبصره ۱ بند ۱-۸ دفترچه کنکور سراسری سال ۱۳۹۳

قوانین و مقررات عمومی

شماره ۹۹۰۱۱۷۹

۱۴۰۰/۲/۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۰۷۸ الی ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۰۸۱ مورخ ۱۴۰۰/۱/۱۷ با موضوع: «صدور رأی وحدت رویه در موضوع حق السعی ایام بلا تکلیفی کارگر» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱/۱۷ شماره دادنامه: ۷۸-۷۹-۸۰-۸۱

شماره پرونده: ۹۹۰۱۱۷۹، ۹۹۰۱۱۸۰، ۹۹۰۱۱۸۸، ۹۹۰۱۸۱۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام کننده تعارض: آقایان جمشید کوهستانی، حسنعلی رحیم آبادی، یداله

کوهستانی، اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص دادخواست اشخاص به خواسته اعتراض به آرای هیأت های

حل اختلاف اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد بازگشت به کار با احتساب

حق السعی ایام بلا تکلیفی، شعب دیوان عدالت اداری آراء متفاوتی صادر کرده اند.

گردش کار پرونده ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۵۵ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دادخواست شرکت مخابرات ایران به طرفیت اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی آزاد شهر و به خواسته اعتراض به آرای شماره ۲-۴۸۴-۹۷ ح و ۳-۵۳-۹۷ ح مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ صادره از هیأت حل اختلاف کار به موجب دادنامه های شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰۱۰۰۲ و ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰۱۰۰۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به محتویات پرونده و اسناد ابرازی و لایحه دفاعیه اداره طرف شکایت و اینکه اقدامات هیأت در رسیدگی و صدور رأی معترض عنه وفق مقررات قانونی بوده و خللی بر آن وارد نمی باشد و شاکای دلیل و بینهای که نقض آن را مدلل نماید ابراز و ارائه نموده لذا شکایت شاکای در خور پذیرش نبوده حکم به رد شکایت صادر و اعلام می گردد. این رأی ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از آرای مذکور، شعبه ۱۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه های شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۶۵۰۳۶۶۴ و ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۶۵۰۳۶۶۳-۹۸۰۹۹۷۰۹۵۶۵۰۳۶۶۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص تجدیدنظرخواهی شرکت مذکور نسبت به دادنامه شعبه بدوی به شماره های فوق الذکر که متضمن است به رد اعتراض شرکت نسبت به آراء هیأت حل اختلاف کار به شماره ۲-۴۸۴-۹۷ ح و ۳-۵۳-۹۷ ح مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ مبنی بر پرداخت ۲/۷۴۷/۳۱۸/۸۷۲ ریال و ۱/۹۹۰/۱۹۳/۹۱۶ ریال در وجه آقایان جمشید کوهستانی و حسنعلی رحیم آبادی با توجه به اینکه صدور حکم بازنشستگی کارگر به تقاضای شخص صورت گرفته است. بنابراین منفک شدن ایشان از شرکت با درخواست خود صورت گرفته علیهذا به لحاظ اینکه اساساً مبنای رأی هیأت مصدر خدمتی نبوده تا استحقاق حقوق و مزایا داشته باشد و توجهاً به اینکه شرایط تحقق موضوع مواد ۱۴ تا ۲۰ قانون کار وجود نداشته تا که کارفرما مکلف به پرداخت حقوق و مزایا و حق بیمه باشد بنابراین مستنداً به ماده ۷۱ قانون تشکیلات دیوان عدالت اداری ضمن نقض دادنامه معترض عنه حکم به ورود شکایت صادر و اعلام تا هیأت حل اختلاف کار بر اساس مبنای رأی اصداری اعلام نظر نمایند. رأی صادره قطعی می باشد.

ب: شعبه ۴۸ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دادخواست شرکت مخابرات ایران به طرفیت اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان و به خواسته نقض رأی هیأت حل اختلاف اداره کار شهرستان آزادشهر به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۸/۳/۱۲-۹۸۰۹۹۷۰۹۰۴۴۰۱۰۴۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است: در خصوص دادخواست شاکای به طرفیت خوانده به خواسته نقض رأی شماره ۹۷/۵۴/۳-۱۳۹۷/۹/۲۰

هیأت حل اختلاف اداره کار شهرستان آزادشهر، از توجه به رونوشت مدارک شاکای، لایحه دفاعیه خوانده، اینکه بازنشستگی خلاف قانون کار کارگر (سید مرتضی میری) به واسطه فعل شاکای بوده است و صرف درخواست کارگر موجب اقدام بلاوجه نمی باشد و حکم بازنشستگی مزبور ابطال شده و کارگر اعاده به کار شده است و عدم ارائه دلیل مؤثر از سوی شاکای و احراز مقررات مربوطه در صدور رأی معترض عنه، رأی مزبور را در مجموع غیرقابل تجدیش تشخیص دعوی شاکای را وارد ندانسته و به استناد مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می نماید. رأی صادره ظرف ۲۰ روز از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می باشد.

رأی مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۸/۶/۱۰-۹۸۰۹۹۷۰۹۵۵۴۰۱۸۶۱ شعبه ۱۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ج: شعبه ۴ بدوی دیوان عدالت اداری با موضوع دادخواست آقای رسول غلیزاده به وکالت آقای حسنعلی رحیم آبادی به طرفیت ۱- صندوق بازنشستگی کشوری مدیریت استان گلستان ۲- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و به خواسته انتقال کسور بازنشستگی کل سابقه خدمت موکل از صندوق بازنشستگی به صندوق تأمین اجتماعی - اجرای بند (د) ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری - ابطال حکم تأییدیه برقراری حقوق صادره برای موکل به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۰۸۷۵-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۰۸۷۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت شاکای به خواسته انتقال کسور بازنشستگی کل سابقه خدمت از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی، نظر به اینکه انتقال کسورات موجبات ایجاد تعهد را برای سازمان تأمین اجتماعی فراهم می نماید لذا طرح شکایت منحصرأ به طرفیت صندوق بازنشستگی بدون اطلاع آن سازمان از موضوع شکایت و دفاع در قبال دعوی مطروحه موافق قوانین مربوط نبوده و مستفاد از رأی وحدت رویه ۶۷۵-۱۳۸۶/۸/۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و مستنداً به ماده ۱۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به لحاظ اینکه شکایت به کیفیت مطروحه قابلیت استماع نداشته قرار رد صادر و اعلام می گردد. در خصوص خواسته دیگر شاکای مبنی بر اجرای بند (د) ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری نظر به اینکه بند (د) ماده استنادی ناظر به مواردی است که با حفظ مالکیت دولت تمام یا بخشی از وظایف به بخش غیردولتی واگذار می گردد و در مانحن فیه اساساً شرکت دولتی به بخش خصوصی واگذار گردیده و منصرف از بند (د) می باشد. لذا اجابت خواسته شاکای به لحاظ اینکه مشمول این بند نبوده و جاهت قانونی نداشته مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می گردد. در خصوص خواسته دیگر شاکای مبنی بر ابطال حکم تأییدیه برقراری حقوق، نظر به اینکه حکم تأییدیه توسط صندوق بازنشستگی صادر می گردد لذا صرف نظر از اینکه دستگاه متبوع شاکای شرکت مخابرات بوده که شخصیتی مستقل از وزارت داشته در هر صورت این قسمت از شکایت متوجه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نبوده و مستنداً به بند (پ) ماده ۵۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قرار رد صادر و اعلام می گردد. لکن نسبت به صندوق بازنشستگی، نظر به اینکه پس از خصوصی شدن شرکت مخابرات مطابق تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری قوانین و مقررات قانون کار بر کارمندان شرکت واگذار شده حاکمیت داشته و اینکه حکم بازنشستگی شاکای به استناد قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب سال ۱۳۸۶ که ناظر به مستخدمین دولتی است صادر شده، صدور تأییدیه برقراری حقوق بر اساس قانون مذکور توسط صندوق بازنشستگی برخلاف مقررات مذکور بوده است. مطابق ماده ۷ آیین نامه اجرایی ماده ۱۰۲ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۶/۲/۲۶ شورای امور اداری و استخدامی کشور، صندوق بازنشستگی در صورت صحت حکم برقراری حقوق بازنشستگی می بایست حکم مذکور را تأیید نماید. لذا در مانحن فیه نمی بایست حکم برقراری که به استناد قانون بازنشستگی پیش از موعد صادر شده مورد تأیید قرار می گرفت، چرا که قانون تأمین اجتماعی من جمله ماده ۷۶ قانون مذکور در جهت احراز شرایط بازنشستگی شاکای حاکم بوده با این وصف حکم تأییدیه قابل ابطال می باشد و مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می گردد. رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می باشد.

رأی مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۳۶۹۵-۱۳۹۶/۱۲/۲ شعبه ۲۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به شرح زیر تأیید شده است:

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱/۱۷ شماره دادنامه: ۸۲ شماره پرونده: ۹۷۰۳۷۷۸
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: شرکت توزیع نیروی برق استان مازندران (شعبه ۲ ساری)
موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستور اجرایی شماره ۱۳۹۵/۱۲/۱ - ۱۲۲۵۶۳ اداره کل تأمین اجتماعی ساری به شرکت توزیع برق استان مازندران
گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال دستور اجرایی شماره ۱۳۹۵/۱۲/۱ - ۱۲۲۵۶۳ اداره کل تأمین اجتماعی ساری به شرکت توزیع برق استان مازندران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:
 " احتراماً به استحضار می‌رساند مطابق پرونده کلاسه ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۵۰۴۹۳۷ (بایگانی ۹۲۳۴۱۳) شعبه ۲۵ دیوان عدالت اداری آقای سیدحسن حسینی پرسنل جانباز شرکت توزیع برق مازندران به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی مازندران دادخواست الزام به پرداخت ۷٪ سهم بیمه جانباز را اقامه که پس از رسیدگی طی دادنامه شماره ۱۳۹۳/۶/۱۱ - ۶۹۹ حکم محکومیت سازمان تأمین اجتماعی صادر نموده و پس از تجدیدنظرخواهی به کلاسه ۹۴۰۲۰۶ شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر دیوان طی دادنامه شماره ۱۹۴ - ۱۳۹۵/۱/۱۸ حکم بدوی عیناً تأیید گردید. متعاقباً سازمان تأمین اجتماعی مازندران با استناد به دادنامه شماره ۱۱۷ - ۱۳۹۳/۶/۳ و دادنامه شماره ۹ - ۱۳۹۵/۱/۲۹ صادره از هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری با این توجیه که شرکت توزیع برق مازندران یک دستگاه اجرایی و به مثابه شرکت‌های دولتی می‌باشد می‌بایست نسبت به پرداخت سهم ۷٪ بیمه جانبازان به حساب سازمان تأمین اجتماعی اقدام نمایند در غیراین صورت مشمول جریمه و اجرائیه مطابق ماده ۵ قانون تأمین اجتماعی می‌گردید و متأسفانه علیرغم مراجعه حضوری و مکاتبات عدیده این شرکت با سازمان تأمین اجتماعی مبنی بر اینکه شرکت توزیع برق مازندران مطابق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه و دادستان دیوان محاسبات و آراء متعدد از شعب دیوان عدالت اداری یک شرکت خصوصی و غیردولتی محسوب می‌شود به همین دلیل سازمان تأمین اجتماعی مکلف به پرداخت ۷٪ سهم بیمه جانبازان پرسنل شرکت توزیع برق مازندران می‌باشد که هیچ گونه پاسخی ندادند و صرفاً طی نامه شماره ۱۰۴۵۱۱/د - ۱۳۹۵/۱۰/۱۸ خواستار پرداخت ۷٪ سهم بیمه جانباز سیدحسن حسینی و طی نامه شماره ۱۲۲۵۶۳/د - ۱۳۹۵/۱۲/۱ خواستار پرداخت ۷٪ سهم بیمه جانبازان کلیه پرسنل شرکت توزیع برق مازندران به حساب تأمین اجتماعی شده که تاکنون از این حیث کسر نموده و هیچ توجیهی به استدلال قانونی این شرکت نمی‌نمایند که ناچاراً با طرح این دادخواست تقاضای رسیدگی و صدور حکم بر ابطال دستور اجراء پرداخت ۷٪ سهم بیمه جانبازان به شماره ۱۲۲۵۶۳/د - ۱۳۹۵/۱۲/۱ صادره از شعبه ۲ تأمین اجتماعی ساری مورد استدعاست. "

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

" شرکت توزیع برق استان مازندران

موضوع: پرداخت سهم بیمه شدگان جانباز

پیرو نامه شماره ۱۰۴۵۱۱/د - ۱۳۹۵/۱۰/۱۸ مقرر می‌گردد به استناد دادنامه شماره ۹ - ۱۳۹۵/۱/۲۹ هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری کلیه افراد مشمول مقررات خاص استخدامی در وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه از جمله شرکت توزیع نیروی برق همانند سایر دستگاه‌های اجرایی می‌بایست حق بیمه جانبازان شاغل را بدون کسر از دستمزد جانباز راساً پرداخت نمایند لذا خواهشمند است به هنگام تنظیم لیست و پرداخت حق بیمه نسبت به رعایت آن اقدام نمایید. - رئیس شعبه ۲ سازمان تأمین اجتماعی ساری"

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی به موجب لایحه شماره ۷۱۰۰/۹۸/۱۷۴۶ - ۱۳۹۸/۴/۵ به طور خلاصه توضیح داده است که:

" ۱- همان گونه که در سایت اینترنتی شرکت توانیر شرکت‌های زیر مجموعه توانیر بر شمرده شده است شرکت‌های توزیع برق استانی از جمله شرکت توزیع نیروی برق مازندران در زمره شرکت‌های زیر مجموعه شرکت توانیر قرار داشته و وابسته به وزارت نیرو می‌باشد.

۲- حقیقت امر این است که شرکت‌های توزیع و حتی تولید برق بر مبنای سیاست‌های عمومی دولت بر تمرکززدایی به صورت شرکت‌های استانی تشکیل و مدیریت این شرکت‌ها با اختیاراتی به استان واگذار شده است. ضمن اینکه تشکیل

با توجه به اینکه انتقال کسور بازنشستگی از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی برای سازمان تأمین اجتماعی ایجاد تعهد می‌نماید و شاکی سازمان تأمین اجتماعی را طرف شکایت قرار نداده است لذا شعبه بدوی در خصوص خواسته شاکی مبنی بر انتقال کسور بازنشستگی قرار رد شکایت صادر کرده است و در خصوص اجرای بند (د) ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری با توجه به اینکه اجرای بند مذکور ناظر بر کارکنانی است که تمام یا بخشی از وظایف آنها از سوی سازمان خصوصی سازی به نمایندگی از دولت به بخش خصوصی واگذار گردیده که منصرف از شاکی است لذا شعبه بدوی در این قسمت حکم بر رد شکایت صادر نموده و در قسمت مربوط به ابطال تأییدیه برقراری حقوق با توجه به اینکه سازمان بازنشستگی برخلاف مقررات قانونی و بعد از خصوصی شدن شرکت مخابرات تأییدیه مذکور را صادر کرده است لذا از سوی تجدیدنظرخواه ایراد مؤثر، به طوری که اساس رأی معترض عنه را مخدوش نماید ابراز نشده و در رسیدگی به پرونده و صدور رأی اقدام مغایر موازین قانونی که موجبات فسخ رأی بدوی را فراهم آورد مشهود نیست، لذا به استناد ماده فوق‌الذکر ضمن رد تجدیدنظرخواهی دادنامه شماره ۸۷۵ - ۱۳۹۵/۸/۱۶ تأیید می‌گردد. رأی صادره قطعی است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.

ب - اولاً: مستفاد از ماده ۱۴ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ اثر اصلی تعلیق قرارداد کار صرفاً بازگشت به کار و احتساب سابقه خدمت می‌باشد مگر در موارد استثناء که الزام به پرداخت حق‌السعی ایام عدم اشتغال در قانون تصریح شده باشد یا اینکه براساس ماده ۲۹ قانون مذکور، بنابه تشخیص هیأت حل اختلاف، کارفرما موجب تعلیق قرارداد از ناحیه کارگر شناخته شود و عدم اشتغال کارگر ناشی از فعل یا اراده کارفرما باشد. در پرونده‌های موضوع تعارض علت عدم اشتغال کارگران نیز طرح تقاضای بازنشستگی از ناحیه خود ایشان و موافقت کارفرما و صندوق بازنشستگی مربوطه با درخواست ایشان و صدور حکم بازنشستگی برای آنان بوده است. ثانیاً: با عنایت به اینکه صدور حکم بازنشستگی پیش از موعد به ارائه درخواست از ناحیه کارگر منوط بوده و در برخی موارد اراده کارفرما در پذیرش یا عدم پذیرش آن مؤثر نبوده و براساس قوانین و مقررات مربوط در صورت وجود شرایط قانونی، کارفرما مکلف به پذیرش درخواست بازنشستگی پیش از موعد می‌باشد، بنابراین بازنشستگی کارگران منتسب به فعل کارفرما نبوده و در این حالت کارفرما موجبات عدم اشتغال کارگران را فراهم نمی‌کند. ثالثاً: آرای وحدت رویه شماره ۵۵۳ - ۱۳۸۸/۷/۱۸ و ۳۳۰ - ۱۳۹۱/۶/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که در آنها مقرر شده است: «... اشخاص پس از فسخ قرارداد و تسویه حساب تا زمان اعاده به خدمت مجدد در سازمان متبوع به لحاظ این که مصدر خدمتی نبوده‌اند استحقاق دریافت حقوق و مزایای ایام عدم خدمت را ندارند ...». نیز مؤید عدم استحقاق کارگران نسبت به دریافت حق‌السعی مدتی که به خدمت اشتغال نداشته‌اند، می‌باشند. بنابه مراتب مذکور آراء شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۶۵۰۳۶۶۴ و ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۶۵۰۳۶۶۴ - ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ شعبه ۱۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری مبنی بر وارد دانستن شکایت و نقض رأی صادره از هیأت حل اختلاف اداره کار صرفاً در مورد عدم استحقاق حق‌السعی ایام بلاتکلیفی، در این حد به نحو صحیح و منطبق با قوانین و مقررات صادر شده است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۳۷۷۸

۱۴۰۰/۲/۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۰۸۲ مورخ ۱۴۰۰/۱/۱۷ با موضوع: «ابطال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۵۶۳ - ۱۳۹۵/۱۲/۱ اداره کل تأمین اجتماعی ساری به شرکت توزیع برق استان مازندران» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۹۸۰۴۰۴۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۸۳/۱۰۸۱۰۵۸۱۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۸۳ مورخ ۱۴۰۰/۱/۱۷ با موضوع: «ابطال بندهای ۱ و ۳ نامه شماره ۷۰۰/د/۵۱۱۹ - ۱۳۹۳/۱۱/۷ معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱/۱۷ شماره دادنامه: ۸۳ شماره پرونده: ۹۸۰۴۰۴۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای رضا سپهوند

موضوع شکایت و خواسته: ۱- ابطال بندهای ۱ و ۲ و ۳ نامه شماره ۷۰۰/د/۵۱۱۹

- ۱۳۹۳/۱۱/۷ معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۲- الزام وزارت بهداشت به تایید پذیرش در رشته دکتری تخصصی پژوهشی در

«مرکز داروهای گیاهی رازی دانشگاه علوم پزشکی لرستان» طبق نامه ۲۰۰/۹۳/۱۰۵۲۴ دانشگاه علوم پزشکی لرستان

۳- الزام دانشگاه علوم پزشکی لرستان به پذیرش و ثبت نام در رشته قبولی در

نیمسال دوم تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ طبق نامه شماره ۲۰۰/۹۳/۱۰۵۲۴ معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ۱- ابطال بندهای ۱ و ۲ و ۳ نامه شماره

۷۰۰/د/۵۱۱۹ - ۱۳۹۳/۱۱/۷ معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش

پزشکی ۲- الزام وزارت بهداشت به تایید پذیرش در رشته دکتری تخصصی پژوهشی در

«مرکز داروهای گیاهی رازی دانشگاه علوم پزشکی لرستان» طبق نامه ۲۰۰/۹۳/۱۰۵۲۴

دانشگاه علوم پزشکی لرستان ۳- الزام دانشگاه علوم پزشکی لرستان به پذیرش و

ثبت نام در رشته قبولی در نیمسال دوم تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ طبق نامه شماره

۲۰۰/۹۳/۱۰۵۲۴ معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" احتراماً اینجانب رضا سپهوند (فرزند شهید) دارای دکترای عمومی داروسازی

و بومی استان لرستان، بر اساس مجوز شماره ۷۰۰/د/۱۶۶۵ - ۱۳۹۲/۵/۱۴ معاون

تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به نمایندگی از وزارت

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر راه‌اندازی دوره دکتری تخصصی پژوهشی

(ph.D by Reserch)، پذیرش ده نفر دانشجوی ph.D در مرکز تحقیقات داروهای

گیاهی رازی دانشگاه علوم پزشکی لرستان و اجازه اعلام فراخوان پذیرش دانشجو، بعد از

شرکت در فراخوان شماره ۲۰۰/۹۳/۴۸۵۳ - ۱۳۹۳/۴/۱۵ دانشگاه علوم پزشکی لرستان،

احراز شرایط فراخوان، دعوت به مصاحبه و قبولی در مصاحبه علمی مورخ ۱۳۹۳/۶/۳۱ در

دوره فوق‌الذکر در رشته بیوتکنولوژی دارویی برای نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۴-

۱۳۹۳ پذیرفته شدم. پس از اعلام نتیجه نهایی و اعلام رسمی قبولی توسط دانشگاه علوم

پزشکی و درج آن در سایت دانشگاه، اسامی پذیرفته شدگان از جمله اسم اینجانب طی

نامه شماره ۲۰۰/۹۳/۱۰۵۲۴ - ۱۳۹۳/۷/۱۵ به معاونت تحقیقات و فناوری وزارت

بهداشت به نمایندگی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای تایید نهایی ارسال

گردید. در حالی که منتظر اعلام تاریخ ثبت نام و شروع دوره دکتری تخصصی بودم

متأسفانه معاونت مذکور طی نامه شماره ۷۰۰/د/۵۱۱۹ - ۱۳۹۳/۱۱/۷ و طبق بند ۱ نامه

موصوف، فراخوان پذیرش دکتری تخصصی اعلام شده را لغو و باطل اعلام می‌دارد. که این

اقدام خود مغایر و متناقض با: ۱- آیین‌نامه دوره دکتری تخصصی پژوهشی به ویژه مواد ۴،

۲۷ و ۲۸ آن ۲- مجوز شماره ۷۰۰/د/۱۶۶۵، ۳- بند یک نامه شماره ۷۰۰/د/۶۶۵۵ -

۱۳۹۰/۲/۱۳، ۴- پاراگراف آخر نامه شماره ۷۰۰/۱۱ - ۱۳۹۳/۶/۸ و نامه شماره

۷۰۰/د/۴۸۶۰ می‌باشد که همگی دال بر تایید و تاکید استفاده از ظرفیتهای تعیین شده

مصوب قبلی رادارند. لذا اعلام لغو و ابطال فراخوان پذیرش دانشجو دکتری تخصصی

توسط معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت به نمایندگی از وزارت بهداشت، درمان

و آموزش پزشکی باعث هدر رفت بیش از پنج سال وقت، معطلی و تضییع حق قانونی

اینجانب گردیده است. با این اوصاف تقاضای ۱- ابطال نامه شماره ۷۰۰/د/۵۱۱۹ وزارت

شرکت در قالب شرکت سهامی خاص نیز دال بر تغییر ماهیت حقوقی آن از دولتی به خصوصی نیست، دادنامه شماره ۳۸۱ - ۱۳۹۱/۱۰/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، در خصوص شکایت آقای جاسمی نژاد مبنی بر ابطال دستورالعمل وزارت نیرو در تغییر وضعیت حقوقی شرکت مدیریت تولید برق زرگان از دولتی به خصوصی تلوياً این موضوع را تایید می‌کند. بنابراین مطابق با تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۳۷ قانون جامع خدمات‌رسانی ایثارگران که مقرر می‌دارد دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، موسسات انتفاعی وابسته به دولت و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌هایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است موظفند از محل هزینه عملیات جاری خود نسبت به پرداخت کسورات بازنشستگی سهم جانبازان شاغل و حالت اشتغال در موسسات مربوط اقدام نمایند. از این رو شاکی نیز که در زمره شرکت‌های دولتی محسوب می‌شود باید نسبت به پرداخت سهم جانبازان شاغل در شرکت اقدام نماید. دادنامه شماره ۹ - ۱۳۹۵/۱/۲۹ و ۱۱۷ - ۱۳۹۳/۸/۴ هیأت تخصصی بیمه، کار و تأمین اجتماعی دیوان عدالت اداری و دادنامه شماره ۱۵۵ - ۱۳۹۳/۲/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موید این موضوع است. ۳- گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در مورد واگذاری شرکت‌های توزیع برق به بخش خصوصی در اردیبهشت سال ۱۳۹۲، حاکی از این است که طبق آخرین اساسنامه شرکت‌های توزیع برق کشور این شرکت‌ها به طور مستقل زیر نظر شرکت توانیر و وابسته به وزارت نیرو به کار خود ادامه می‌دهند! مضاف بر آن که ۴۰ درصد سهام این شرکت‌ها که جزو سهام ممتاز است متعلق به توانیر و ۶۰ درصد مابقی به بخش شبه دولتی و دولتی تعلق دارد. بدین ترتیب که ترکیب سهامداران شرکت‌های توزیع متشکل است از ۴۰ درصد سهام ممتاز توانیر، ۵۹ درصد صبا و یک درصد کرامت است.

با توجه به جمع جهات مذکور، با توجه به اینکه شاکی تقاضای ابطال آن را مطرح ساخته یک نامه اداری است که این سازمان در اجرای وظایف خود مبنی بر وصول حق بیمه اصدار نموده و با عنایت به اینکه صلاحیت‌های رسیدگی هیأت عمومی در ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تعیین و مشخص می‌باشد که ابطال نامه مذکور خارج از این صلاحیت می‌باشد. همچنین با التفات به اینکه بنا به دلایل مشروحه فوق عذر شرکت شاکی در خودداری از پرداخت حق بیمه کارکنان جانباز خود مبنی بر اینکه غیردولتی است پذیرفتنی نمی‌باشد لذا درخواست رد دادخواست و شکایت شاکی مورد استعاست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

نظر به این که شرکت توزیع نیروی برق مازندران وفق بند ۲ ماده واحده قانون استقلال شرکت‌های توزیع نیروی برق استان‌ها به صورت غیردولتی عمل می‌کند و همچنین دولت در این شرکت‌ها دارای سهام کمتر از پنجاه درصد می‌باشد، ماهیت این شرکت غیردولتی است و از شمول حکم تبصره ۱ ماده ۳۷ قانون جامع خدمات‌رسانی ایثارگران مبنی بر پرداخت کسور بازنشستگی ایثارگران از سوی خود دستگاه خارج است، بنابراین با توجه به حکومت قانون کار و تأمین اجتماعی بر کارکنان شرکت شاکی موضوع مشمول تبصره ۳ ماده ۳۷ قانون اخیرالذکر است که اشعار می‌دارد: «دولت مکلف است به منظور پرداخت کسورات بازنشستگی سهم اُسرأ، آزادگان و جانبازان شاغل در بخش غیردولتی مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی اعتبار لازم را هر ساله در لویج بودجه سنواتی کل کشور پیش‌بینی نموده و در اختیار سازمان تأمین اجتماعی قرار دهد.» بنابراین کسور بازنشستگی آنها باید از سوی دولت طبق ماده مذکور پرداخت شود. بنا بر مراتب دستور اجرایی شماره ۱۲۲۵۶۳ - ۱۳۹۵/۱۲/۱ اداره کل تأمین اجتماعی ساری به شرکت توزیع برق استان مازندران مبنی بر لزوم پرداخت علی‌الراس ۷٪ حق بیمه سهم ایثارگر از سوی این شرکت مغایر قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

ذکر است همان گونه که در بند ۲ نامه مذکور مشاهده می‌فرمایید صادرکننده نامه در یک اقدام کاملاً ناعادلانه و یک تبعیض فاحش و متناقض با شرایط مندرج در آیین‌نامه به خصوص بند ۴-۵ ماده ۵ آن و دستورالعمل دکتری تخصصی پژوهشی به سه نفر از پذیرفته شدگان دوره قبلی (دوره ۱۳۹۲) که فاقد حداقل شرایط یعنی داشتن حداقل دو مقاله معتبر به عنوان شرط لازم اجازه ادامه تحصیل داده است ولی پذیرش اینجانب را که دارای مقالات با بالاترین نمایه بین‌المللی (ISI) با ایمپک فاکتور ۲/۰۲ و ۱/۷۷۲ ابطال و مانع ادامه تحصیل من در سطح تخصصی گردیده است که باز هم احقاق حق مورد استدعا می‌باشد.

متن مقررره مورد شکایت به شرح زیر است:

” جناب آقای دکتر علی محمد ورزی

معاون محترم تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی لرستان

سلام علیکم

احتراماً باز گشت به نامه شماره ۲۰۰/۹۳/۱۶۵۳۳ - ۱۳۹۳/۱۰/۲۸، در خصوص تجدیدنظر در اعلام فراخوان پذیرش دانشجوی دوره دکتری پژوهشی در مرکز تحقیقات داروهای گیاهی رازی آن دانشگاه به استحضار می‌رساند بر اساس بررسی‌های انجام شده پرونده‌های دانشجویان دوره مزبور تصمیمات ذیل اتخاذ گردید:

۱- فراخوان انجام شده در سال ۱۳۹۳ باطل و پذیرفته شدگان آن فراخوان مورد تایید نمی‌باشند. - دانشجویان پذیرفته شده دوره قبل (۱۳۹۲) آقایان نعمت اله اسدی و خانم‌ها نرگس ابدالی و مهرنوش صدیقی که دارای حداقل شرایط مندرج در دستورالعمل دکتری تخصصی پژوهشی نبوده‌اند، هر کدام موظف به چاپ دو مقاله اصیل نمایه شده در نمایه‌های بین‌المللی (web of science, pub Med/Medline) به عنوان نویسنده اول تا پایان سال ۱۳۹۴ علاوه بر سه مقاله چاپ شده هنگام فارغ التحصیلی طبق بند ۴-۳ آیین‌نامه ph.D. by Research مصوب پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵ می‌باشند.

۳- بدیهی است تا اطلاع ثانوی و ارزیابی مجدد عملکرد آن مرکز، درخواست جدیدی برای برگزاری دوره مزبور از آن دانشگاه پذیرفته نخواهد شد. - معاون تحقیقات و فناوری در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست اداره کل حقوقی و تنظیم مقررات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۳۴۵ - ۱۳۹۹/۲/۲۷ توضیح داده است که:

” ۱- نامبرده وفق مفاد دادخواست تقدیمی ادعا نموده، بر اساس مجوز شماره ۷۰۰/د/۱۶۶۵ - ۱۳۹۲/۵/۱۴ معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت مبنی بر راه‌اندازی دوره دکتری تخصصی پژوهشی و اجازه اعلام فراخوان و پذیرش ده نفر دانشجوی ph.D در مرکز تحقیقات داروهای گیاهی رازی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، در فراخوان شماره ۲۰۰/۹۳/۴۸۵۳ - ۱۳۹۳/۴/۱۵ دانشگاه علوم پزشکی لرستان جهت دوره مذکور شرکت نموده و پس از احراز شرایط، دعوت به مصاحبه علمی و در رشته بیوتکنولوژی دارویی برای نیمسال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ پذیرفته شده و منتظر اعلام تایید نهایی و تاریخ ثبت نام و شروع دوره دکتری تخصصی از سوی معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت بوده است که معاونت مذکور طی نامه شماره ۷۰۰/د/۵۱۱۹ - ۱۳۹۳/۱۱/۷ فراخوان پذیرش دوره مذکور را لغو و باطل اعلام نموده است. وی بر این اساس متقاضی رسیدگی و ابطال نامه شماره ۷۰۰/د/۵۱۱۹ و الزام معاونت تحقیقات و ... می‌باشد.

۲- در ارتباط با شکایت مزبور بدو لازم به ذکر است، بر اساس ماده واحده «خروج تصمیمات و آراء صادره از هیأت‌ها و کمیته‌های تخصصی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی در خصوص امور و شئون علمی، آموزشی و پژوهشی از شمول صلاحیت دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی، مصوب ششصد و سی امین جلسه مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی» آن دسته از تصمیمات و آراء نهایی و قطعی صادره در هیأت‌ها و کمیته‌های تخصصی فعال در وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی مصوب از جمله، تصمیمات و آراء نهایی در خصوص بازنشستگی، ارتقاء، ارزیابی و پذیرش علمی، بورس دانشجویان و فرصت مطالعاتی که صرفاً در رابطه با امور و شئون تخصصی علمی، آموزشی و پژوهشی صادر شده باشد، قابل شکایت و رسیدگی در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی نخواهد بود. با توجه به اینکه خواسته نامبرده نیز دارای شأن علمی و آموزشی می‌باشد، برابر ماده واحده مذکور اتخاذ تصمیم شایسته از آن مقام مورد تقاضا است.

بهداشت ۲- الزام وزارت بهداشت به تایید پذیرش بنده در دوره دکتری تخصصی پژوهشی در مرکز تحقیقات داروهای گیاهی رازی دانشگاه علوم پزشکی لرستان طبق نامه شماره ۲۰۰/۹۳/۱۰۵۲۴ معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان ۳- الزام دانشگاه علوم پزشکی لرستان به پذیرش و ثبت نام اینجانب در رشته قبولی در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ طبق نامه شماره ۲۰۰/۹۳/۱۰۵۲۴ معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان ۴- صدور دستور موقت به استناد مواد ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴ و ... قانون دیوان عدالت اداری با توجه به محدودیت زمانی تا شروع ترم دوم سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ را خواستارم. لازم به ذکر است:

۱- مجوز صادره شماره ۷۰۰/د/۱۶۶۵ و فراخوان ابلاغی بر اساس آیین‌نامه دوره دکتری تخصصی پژوهشی (ph.by Reserch) مصوب پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵ صورت پذیرفته نه‌آیین‌نامه جدید. در ضمن در آیین‌نامه مذکور هیچ قید یا تأکیدی دال بر تایید نهایی پذیرفته‌شدگان توسط وزارت بهداشت درج نگردیده است.

۲- طبق بند ۵ - ۳- ۴ ماده ۴ آیین‌نامه مذکور کلیه امور آموزشی و پژوهشی دوره به شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی که طبق تبصره ماده یک آیین‌نامه موسسه نامیده می‌شوند، محول گردیده است.

۳- طبق بند ۲ - ۱- ۴ ماده ۴ آیین‌نامه، زمان شروع به تحصیل دانشجوی در دوره پس از اعلام رسمی قبولی داوطلب توسط موسسه و نام نویسی دانشجو، در حوزه معاونت آموزشی موسسه (دانشگاه علوم پزشکی) بوده و باز هم هیچ اشاره‌ای به تایید نهایی پذیرفته شدگان توسط وزارت بهداشت نشده است.

۴- طبق بند ۱ نامه شماره ۷۰۰/د/۴۸۶۰ معاونت وقت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت به نمایندگی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بررسی و تایید نهایی کلیه مدارک داوطلبان آزاد (غیربورسیه‌ای) به عهده دانشگاه‌ها بوده و نیازی به ارسال مدارک جهت کسب تاییدیه به وزارت بهداشت نبوده است. بر این اساس ایجاد شرایط نابرابر و متناقض باعث شرایط نابرابر و ناعادلانه برای اینجانب نسبت به سایر پذیرفته‌شدگان در دوره‌های مختلف قبلی گردیده است که باز هم احقاق حق مورد استدعا می‌باشد.

۵- تعداد ۵ نفر از ظرفیت پذیرش مجوز مذکور در سال ۱۳۹۲ پذیرش شده و با همان شرایط (شرایط زمان فراخوان مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۵) در حال طی دوره بوده و ۵ ظرفیت باقی مانده همچنان خالی می‌باشد.

۶- فراخوان شماره ۲۰۰/۹۳/۴۸۵۳ - ۱۳۹۳/۴/۱۵ طی نامه شماره ۲۰۰/۹۳/۴۸۵۱ - ۱۳۹۳/۴/۱۵ یعنی ۴۵ روز قبل از پایان مهلت ثبت نام در فراخوان (۱۳۹۳/۵/۳۱) و ۷۵ روز قبل از تاریخ برگزاری مصاحبه علمی (۱۳۹۳/۶/۳۱) برای برگزاری در سایت اینترنتی واحد دکتری تخصصی پژوهشی وزارت بهداشت ارسال گردیده و همچنین این فراخوان حدود ۴۵ روز در صفحه اصلی سایت دانشگاه علوم پزشکی لرستان قرار داشته و وزارتخانه مذکور هیچ گونه اظهار نظر و یا مکاتبه‌ای دال بر مخالفت و یا عدم تایید فراخوان نکرده است.

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکای ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۸ - ۴۰۴۲ - ۳ و ۴ - ۱۳۹۸/۱۲/۵ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده توضیح داده است که:

” بدین وسیله: ۱- درخواست ابطال نامه شماره ۷۰۰/د/۵۱۱۹ را به درخواست ابطال بندهای ۱ و ۳ آن اصلاح و تقدیم می‌دارم. ۲- با استناد به مواد ۸۶ و ۸۸ قانون دیوان عدالت اداری از آنجایی که صادرکننده نامه شماره ۷۰۰/د/۵۱۱۹ قائم مقام معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت می‌باشد لذا ایشان فاقد شخصیت حقوقی مستقل از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بوده و عمل ایشان هم فاقد وجاهت قانونی است و برخلاف مواد مذکور یعنی خارج از حدود و اختیارات خود و همچنین برخلاف مجوز صادره به شماره ۷۰۰/د/۱۶۶۵ و نادیده گرفتن شرایط مندرج در آیین‌نامه دوره دکتری تخصصی (ph.D. by Reserch) مصوب پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵ به خصوص بندهای ۲- ۱- ۴ و ۵ - ۲- ۴ ماده ۴ آن که با اعمال نظر و اقدام سلیقه‌ای باعث تضییع حق قانونی اینجانب گردیده است. خواسته اصلی علاوه بر ابطال بندهای ۱ و ۳ الزام دانشگاه علوم پزشکی به پذیرش و ثبت نام اینجانب در رشته قبولی در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ طبق صورتجلسه شماره ۱۰۰/۹۳/۲۷۲۹۷ کمیته مصاحبه و نامه شماره ۲۰۰/۹۳/۱۰۵۲۴ معاونت آموزشی دانشگاه مورد استدعا می‌باشد که خواهشمند است در متن رأی صادره آورده شود. شایان

پژوهشی، مصوب پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵، به ویژه ماده ۲۸ آن که رسیدگی به امور آموزش و فارغ‌التحصیلی این دانشجویان در حوزه معاونت آموزشی وزارت متبوع می‌باشد و از آنجا که در آیین‌نامه مذکور اختیاری برای معاون تحقیقات و فناوری برای ابطال فراخوان انجام شده تعریف نشده است و از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مستندی دال بر اختیار معاون تحقیقات و فناوری ارائه نشده است، بندهای ۱ و ۳ نامه مورد اعتراض به لحاظ خروج از حدود اختیارات و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ب - رسیدگی به درخواست ابطال بند ۲ نامه شماره ۷۰۰/د/۵۱۱۹ - ۱۳۹۲/۱۱/۷ معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نیز خواسته‌های الزام مطرح شده از سوی شاکي، از مصادیق صلاحیت‌های هیأت عمومی مصرح در ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری محسوب نمی‌شود و برای رسیدگی موردی به شعبه دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۳۹۴۱

۱۴۰۰/۲/۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۰۸۴ و ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۰۸۵ مورخ ۱۴۰۰/۱/۱۷ با موضوع: «ابطال بند ۶ - ۲ - ۶ بخشنامه شماره ۱۳۱۹۶/۹۷/۱۰۰۰ - ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ سازمان تأمین اجتماعی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱/۱۷ شماره دادنامه: ۸۵ - ۸۴

شماره پرونده: ۰۰۰۰۰۱۰ و ۹۸۰۳۹۴۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: ۱ - خانم محبوبه اخلاصی ۲ - آقای روح اله معصومی پور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۶-۲-۶ بخشنامه شماره ۱۳۱۹۶/۹۷/۱۰۰۰ - ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ سازمان تأمین اجتماعی

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواست‌های جداگانه‌ای ابطال بند ۶ - ۲ - ۶ بخشنامه شماره ۱۳۱۹۶/۹۷/۱۰۰۰ - ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ سازمان تأمین اجتماعی را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

الف - متن دادخواست خانم محبوبه اخلاصی

" همان طور که مستحضر هستید حسب مصوبه شماره ۴۵۶۶۴ - ۱۳۶۸/۵/۳۰ هیأت وزیران شغل پرستاری به عنوان یکی از مشاغل سخت و زیان‌آور شناخته شده است در نتیجه دارندگان این شغل با در نظر گرفتن رعایت شرایط مربوطه می‌توانند درخواست بازنشستگی با بیست سال سابقه کار دهند و با در نظر گرفتن تبصره سوم ماده واحده قانون بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی از مزایای آن استفاده نمایند (ابلاغیه ثبت شده در مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۶۷/۹/۱) با این حال به استحضار می‌رساند که پرستاران بیمارستان پارسین که طبق قوانین وزارت کار و رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی مشغول به خدمت هستند بعد از بیست سال سابقه کاری طبق این مصوبه درخواست بازنشستگی کرده و از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران تاییدیه سختی کار خود را گرفته‌ایم و در مرحله بعد به شعبه تأمین اجتماعی ۲۵ واقع در سعادت آباد برای انجام سایر اقدامات قانونی مراجعه کردیم که متأسفانه از مرداد ماه ۱۳۹۸ بر اساس بخشنامه تأمین اجتماعی صادره توسط سرکار خانم ناهید حیدری به شماره ۸۵۱۰/۹۸/۳۱۶۱۳ - ۱۳۹۸/۵/۱۲ بیمارستان پارسین را از قبیل کارگاه‌هایی که بعد از سال ۱۳۸۱ تاسیس شده دانسته و از پذیرش این برگه قانونی سخت و زیان‌آور و ادامه روند بازنشستگی خودداری کرده و سختی کار تایید شده وزارت کار را مورد قبول نمی‌دانند. قابل ذکر است که تا قبل از این بخشنامه غیرقانونی پرستاران متعددی از این بیمارستان با استفاده این مصوبه قانونی بازنشسته شده‌اند. در پیگیری جهت رفع این بخشنامه که مخالف اصل مصوبه هیأت وزیران که شغل پرستاری را جزء مشاغل سخت و زیان‌آور دانسته و برای بهره‌مند شدن از مزایای این مصوبه مکان و زمان خاصی تعریف

۳ - صرف نظر از مراتب فوق‌الذکر مطابق مصوبه جلسه ۴۲۱ - ۱۳۷۷/۳/۱۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر گردید، شورای عالی برنامه‌ریزی از شورای عالی انقلاب فرهنگی منفک و در هر وزارتخانه به طور مستقل تشکیل شود. به استناد بند ۲۰ مصوبه جلسات ۴۲۹ و ۴۳۰ - ۱۳۷۷/۷/۲۱ و ۱۳۷۷/۸/۵ و نامه شماره ۴۲۲۹/دش - ۱۳۷۷/۱۱/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی و مواد ۲ و ۷ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷، شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی به منظور تحقق سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در امر برنامه‌ریزی و تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی تشکیل گردیده است.

۴ - مطابق بند ۶ آیین‌نامه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی تعیین عناوین رشته‌ها و مقاطع تحصیلی گروه پزشکی و برابر بند ۷ آیین‌نامه مذکور ایجاد رشته‌ها و دوره‌های آموزشی و پژوهشی در سطح آموزش عالی، بررسی، حذف یا ادغام رشته‌ها در گرایش‌های تحصیلی در مقاطع مختلف دانشگاهی بر عهده این شورا می‌باشد. بر این اساس و با توجه به اختیارات قانونی مذکور تشخیص راه‌اندازی رشته‌ها و مقاطع مورد نیاز کشور با توجه به ضرورت کشور پس از اقدامات کارشناسی لازم در حیطه اختیارات شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی می‌باشد.

۵ - آیین‌نامه دوره دکتری تخصصی پژوهشی در پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵ با هدف تربیت افراد متخصص در یک زمینه خاص و آشنا با علوم مرتبط و حول محور اصلی کسب دانش و مهارت از طریق پژوهش هدفمند و نوآوری در یک حیطه خاص علمی تصویب گردید.

۶ - دانشگاه علوم پزشکی لرستان طی فراخوان نسبت به جذب ۵ دانشجو جهت دوره دکترای پژوهشی در مرکز تحقیقات داروهای گیاهی رازی اقدام می‌نماید. دانشگاه مذکور در سال ۱۳۹۳ فراخوان دوم را برگزار و ۵ نفر دیگر را پس از برگزاری مصاحبه برای تایید نهایی به معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معرفی می‌نماید.

۷ - معاونت تحقیقات و فناوری این وزارتخانه در پاسخ به نامه دانشگاه مذکور طی نامه شماره ۷۰۰/د/۳۹۵۲ - ۱۳۹۳/۸/۲۸ با اشاره به اینکه ۴ نفر از ۵ استاد راهنمای اعلام شده از اعضای هیأت علمی دانشگاه لرستان نبوده (ماده ۱۰ آیین‌نامه «استاد راهنمای واجد شرایط، فقط از اعضای هیأت علمی مراکز تحقیقاتی همان موسسه با حداقل مرتبه دانشیاری تعیین می‌گردد») و فراخوان دوم بدون اخذ مجوز از معاونت تحقیقات صورت گرفته است فهرست ارسالی را تایید نمی‌نماید.

۸ - با پیگیری دانشگاه مذکور معاونت تحقیقات طی نامه مورد اعتراض به دانشگاه اعلام می‌نماید ۳ نفر از دانشجویان پذیرفته شده دوره قبل (۹۲) دارای حداقل شرایط مندرج در دستورالعمل دکتری تخصصی پژوهشی (بند ۴ ماده ۵) نبوده و هر کدام موظف به چاپ ۲ مقاله اصیل نمایه شده در نمایه‌های بین‌المللی (web of science, pub Med/Medline) به عنوان نویسنده اول تا پایان سال ۱۳۹۴ علاوه بر سه مقاله چاپ شده هنگام فارغ‌التحصیلی طبق بند ۴ - ۳ - ۴ آیین‌نامه ph.D. by Research مصوبه پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵ می‌باشند، بر این اساس تا اطلاع ثانوی و ارزیابی مجدد عملکرد آن مرکز، درخواست جدیدی برای برگزاری دوره مزبور از آن دانشگاه پذیرفته نیست و فهرست ارسالی فراخوان سال ۱۳۹۳ را مورد تایید قرار نداده و دانشگاه را صرفاً به فارغ‌التحصیلی ۵ پذیرفته شده سال ۱۳۹۲ مجاز اعلام می‌نماید.

بر این اساس و با توجه به اینکه آیین‌نامه دوره دکتری تخصصی پژوهشی با تایید معاونت تحقیقات و فناوری به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی رسیده است و مقام ناظر آیین‌نامه معاونت مذکور می‌باشد و معاونت مورد اشاره دانشگاه علوم پزشکی لرستان را برای پذیرش دانشجوی مجدد در دوره مذکور تا بررسی مجدد عملکرد دانشگاه مجاز اعلام ننموده است و فراخوان دوم دانشگاه بدون موافقت و مجوز معاونت تحقیقات و فناوری بوده است رد شکایت بی وجه شاکي از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - در خصوص درخواست ابطال بندهای ۱ و ۳ نامه شماره ۷۰۰/د/۵۱۱۹ - ۱۳۹۲/۱۱/۷ معاون تحقیقات و فناوری با توجه به مفاد آیین‌نامه دوره دکتری تخصصی

نظر به اینکه به موجب نظریه کمیته تشخیص و بررسی مشاغل سخت و زیان آور استانی (استان قم) شغل اینجانب را سخت و زیان آور دانسته آن هم در گروه شغلی (ب) و بر اساس استفساریه جزء بند ۱ تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۹۰/۶/۲۹ هر یک سال اشتغال در کارهای سخت و زیان آور به عنوان یک و نیم سال سابقه پرداخت حق بیمه محسوب می‌گردد. لذا توجهاً به مجموع سوابق بیمه‌پردازی اینجانب و تاییدیه کمیته‌های استانی نسبت به سخت و زیان آور شغل که گروه (ب) از ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی مصوب سال ۱۳۸۵ هیأت وزیران می‌باشد و مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، مقرر شده که «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است». هرگاه مراجع مربوط مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده ۸۴ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده در هیأت عمومی مطرح می‌نماید. توجه و عنایت به اینکه در رأی وحدت رویه مندرج فوق صلاحیت و بررسی و تشخیص و تطبیق سخت و زیان‌آوری مشاغل را مورد تأیید قرار داده و دیوان عدالت اداری و مرجع مربوط را نسبت به رأی وحدت رویه لازم‌الاتباع ملزم نموده لذا ضمن ابطال مورد استنادی سازمان بند ۶ - ۲ از بخشنامه فوق‌الذکر الزام سازمان تأمین اجتماعی نسبت به بازنشستگی اینجانب مورد استدعاست.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

" بند ۶ - ۲ - ۶ - حسب مفاد بند ۲ تصویب‌نامه مذکور، موضوع «اضافه نمودن یک تبصره با عنوان تبصره ۱ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی مشاغل سخت و زیان آور»، طرح مشاغل کارگاهی که پس از تصویب قانون تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی ایجاد گردیده‌اند در کمیته‌های استانی موضوعیت ندارد». سرپرست سازمان تأمین اجتماعی در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل امور حقوقی و قوانین سازمان تأمین اجتماعی به موجب لایحه شماره ۷۱۰۰/۹۹/۲۵۵۴ - ۷۱۰۰/۴/۲۵ - ۱۳۹۹/۴/۲۵ توضیح داده است که:

" بند ۶ - ۲ - ۶ - بخشنامه بازنشستگی این سازمان که شاکتی تقاضای ابطال آن را مطرح ساخته مطابق با قانون ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی ... و آیین‌نامه آن تهیه و تنظیم شده است. توضیح اینکه مطابق این ماده واحده کارهای سخت و زیان آور کارهایی شناخته شده که در آنها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار غیراستاندارد بوده که نتیجه آن بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن باشد و بتوان با به کارگیری تمهیدات فنی، مهندسی، بهداشتی و ایمنی و غیره صفت سخت و زیان آور بودن را از آن مشاغل کاهش داد یا حذف نمود و در ادامه کارفرمایان را ملزم ساخته که ظرف مدت دو سال از تاریخ تصویب قانون نسبت به ایمن سازی عوامل شرایط محیط کار مطابق حد مجاز و استانداردهای مشخص شده در قانون اقدام نمایند، بنابراین در مورد کارگاه‌هایی که پس از تصویب این قانون ایجاد می‌شوند این تکلیف پیش از تاسیس کارگاه و شروع به کار آن بر عهده کارفرما قرار گرفته و مکلف است که ضمن اخذ مجوزهای لازم و پس از تأیید ایمنی کارگاه شروع به فعالیت کند. به عبارت راسخ مستفاد از قانون ماده واحده اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۹ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ با اصلاحات بعدی، به خصوص بند نخست تبصره ۲ قانون ماده واحده اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۹ قانون تأمین اجتماعی ... که به صراحت مقرر نموده: کارفرمایان کلیه کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی که تمام یا برخی از مشاغل آنها حسب تشخیص مراجع ذیربط سخت و زیان آور اعلام شده ... با حصول شرایط مقرر قانونی می‌توانند از حمایت‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده برخوردار شوند. تأیید یا عدم تأیید رعایت استانداردهای مربوطه در کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی با سخت و زیان آور شناختن یا نشاخن مشاغل این کارگاه‌ها ملازمه دارد از این رو اصل بر این است که کارگاه‌هایی که پس از تصویب قانون ایجاد می‌شوند مجوزهای لازم مبنی بر ایمنی کارگاه را اخذ نموده و فقدان شرایط ناسالم محیط در آن کارگاه‌ها به تأیید مراجع ذی صلاح رسیده است و لذا سخت و زیان آور شناختن مشاغل آن کارگاه‌ها موضوعیتی ندارد.

۲- مضاف بر آن مبنای دیگر بخشنامه معترض عنه بند ۲ تصویب‌نامه شماره ۱۲۴۶۱۰/ت/۴۴۵۴۷/ک - ۱۳۸۹/۶/۶ هیأت وزیران موضوع الحاق یک تبصره به عنوان تبصره ۱ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی موسوم به آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان آور است که به درستی مقرر نموده مشاغل کارگاهی که پس از تصویب قانون تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی ... ایجاد می‌شوند در کمیته‌های استانی فاقد محمل قانونی است.

نشده است. به سازمان تأمین اجتماعی غرب تهران جناب آقای منوچهر گودرزی معاون امور بیمه‌ای و همچنین وزارت تعاون جناب آقای مظفری نامه‌ای به شماره ۹۸۳۱۹ ارجاع شد که متأسفانه علیرغم تأیید این بزرگواران جهت ایراد داشتن این بخشنامه اقدامی جهت ابطال این بخشنامه غیرقانونی انجام نشده است. سالی که مطرح است آیا تفاوتی بین کارکرد پرستاران مشغول در بیمارستان‌هایی که تاریخ تاسیس آنها قبل از سال ۱۳۸۱ بر می‌گردد با کارکرد پرستاران شاغل در بیمارستان پارسیان که تاریخ تاسیس آن بعد از سال ۱۳۸۱ بوده وجود دارد؟ چیزی که این بخشنامه غیرقانونی نشان می‌دهد تبعیض بین کار پرستاران در واحدهای درمانی تابع قانون وزارت کار و امور اجتماعی که همگی به عنوان پرستار، سرپرستار، کمک بهیار را در سابقه بیمه‌ای خود دارند و حق بیمه مشابه پرداخت کرده‌اند ایجاد کرده است. از ریاست دیوان عدالت اداری درخواست موکد از جهت ابطال این بخشنامه تأمین اجتماعی که مغایرت با مصوبه هیأت وزیران و مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد مشاغل سخت و زیان آور را دارد خواستاریم. " در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکتی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۸ - ۳۹۴۱ - ۳ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۹ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده توضیح داده است که:

" ۱- خواسته ابطال بند ۶ - ۲ - ۶ از بخشنامه شماره ۱۳۱۹۶/۹۷/۱۰۰۰ - ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد.

۲- قسمت مورد شکایت مغایرت با قانون ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی و (۷۶) قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶ مصوب ۱۳۷۱ و (تبصره ۲) که ۱۳۷۹/۱۱/۳۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی و جزء ۱ و ۳ بند (ب) تبصره ۲ آن در تاریخ ۱۳۸۰/۷/۱۴ عیناً به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.

همچنین محسوب نمودن شغل پرستاری و بهیاری از مشاغل سخت و زیان آور و استفاده شاغلین حرف مذکور از مزایای تبصره ۳ ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی می‌باشد.

ب- متن د ادخواست آقای روح اله معصومی پور:

" ۱- در بند استنادی سازمان تأمین اجتماعی، کمیته‌های استانی (مرجع تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان آور) را فاقد موضوعیت قلمداد نموده که مخالفت صریح و آشکار با بند (الف) و (ب) و تبصر ماده ۸ و نیز ماده ۷ و تبصره آن از آیین‌نامه اجرایی مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۸۶ (موضوع تبصره ماده ۵۲ قانون کار) را دارد.

۲- مورد استناد بند ۶ - ۲ - ۶ سازمان تأمین اجتماعی از بخشنامه صدرالذکر به تجویز مصوبه هیأت وزیران به شماره ۱۲۴۶۱۰/ت/۴۴۵۴۷/ک - ۱۳۸۹/۶/۶ مستند نموده است. در صورتی که مصوبه هیأت وزیران (مفاد الحاق تبصره به ماده واحده) ناظر بر گروه شغلی (الف) یا به نوعی بند (الف) ماده یک آیین‌نامه اجرایی سخت و زیان آور است و تسری به گروه شغلی (ب) ماده یک آیین‌نامه اجرایی نمی‌تواند داشته باشد و مصوبه هیأت وزیران اخیرالذکر ناظر بر تعهد کارفرماست نه کارگر و سازمان بر اساس استناد به آن صدور بند ۶ - ۲ - ۶ را نموده است. بدیهی است که مانع از حق مکتسب قانونی کارگران شده است. که این دلیل غیرموجه و مغایرت آن واضح است.

۳- با عنایت به قانون تفسیر و استفساریه مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۹ که مصوب گردیده و در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده لذا بند مورد استناد سازمان تأمین اجتماعی با قوانین از جمله ماده واحده قانون بازنشستگی پیش از موعد تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۶۷ مخالف است.

۴- عنایت می‌فرمایید که بر اساس دادنامه شماره ۴۸۴ - ۱۳۸۷/۷/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان آور بر عهده کمیته‌های بدوی و تجدیدنظر استانی است و مطابق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی، تعیین سخت و زیان آور بودن مشاغل سخت و زیان آور در هر کارگاه با بررسی سوابق، انجام بازدید و بررسی شرایط کار توسط کارشناسان بهداشت حرفه‌ای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بازرسان کار وزارت کار و امور اجتماعی و با تأیید توسط کمیته‌های بدوی و تجدیدنظر استانی انجام می‌گیرد و همچنین صلاحیت بررسی سخت و زیان آور مشاغل و قطعی بودن تصمیمات کمیته‌های بدوی و تجدیدنظر استانی که رأی وحدت رویه شماره ۸۰۰ - ۷۸۸ - ۷۸۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، موید و مبین آن است لذا مورد استنادی سازمان تأمین اجتماعی فاقد وجاهت قانونی است.

۳- بند ۶ - ۲ - ۶ بخشنامه معترض عنه مطابق با تبصره الحاقی به ماده ۳ آیین نامه معترض عنه که کارفرمایان رامکلف به دریافت مجوز فعالیت نموده و از فعالیت بدون مجوز منع کرده به موجب قانون کار و تأمین اجتماعی همچنین ماده واحده قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ ... آن تصویب شده که بر رعایت بهداشت و ایمنی کارگران و ضرورت صیانت از نیروی کار تأکید دارد به گونه‌ای که قانون کار فصل مستقلی را به ایمنی و بهداشت کار اختصاص داده و ماده ۸۵ نخستین ماده قانونی از این فصل (فصل چهارم قانون کار) دستورالعمل‌های ایمنی و بهداشتی کار را جهت جلوگیری از بیماری‌های حرفه‌ای و تأمین بهداشت کار، کارگر و محیط کار، حتی در کارگاه‌های خانوادگی برای کلیه کارگاه‌ها، کارفرمایان، کارگران و کارآموزان الزامی و لازم الاجرا اعلام نموده است. در ادامه نیز بهره‌برداری از ماشین‌ها، دستگاه‌ها، ابزار و لوازمی که مطابق با آیین‌نامه‌های شورای عالی حفاظت فنی ضروری شناخته شده آزمایش‌های لازم را توسط آزمایشگاه‌ها و مراکز مورد تایید شورای مذکور انجام دهند. مضاف بر آن که ضمن پیش‌بینی مسئولیت کیفری و حقوقی برای کارفرما اجازه داده در موارد تخلف از ایمنی و بهداشت کار کارگاه تعطیل و فعالیت آن متوقف شود. بنابراین بخشنامه در چارچوب قوانین و مقررات حاکم بر آن تهیه و به خصوص در انطباق کامل با قانون موسوم به سخت و زیان‌آور، قوانین کار و تأمین اجتماعی قرار داشته و دلیلی برای ابطال آن نیست.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۲۸۳۶

شماره ۹۸۰۲۸۳۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۸/۲/۷ مورخ ۱۴۰۰/۱/۱۷ با موضوع: «ابطال مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۲/۷ شورای تحصیلات دانشگاهی تبریز مندرج در بند ۵ - ۲ اطلاعیه دانشگاه در خصوص حدنصاب مرحله دوم آزمون نیمه متمرکز دکتری سال ۱۳۹۸» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

۴- مصوبه شماره ۷۶۶۵۰ت/۹۲۹ - ۱۳۶۸/۱۰/۱۷ هیأت دولت که به موجب آن شغل پرستاری و بهیاری را سخت و زیان‌آور دانسته به صراحت آنان را محق به استفاده از مزایای تبصره ۳ ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی شناخته است. هرچند این سازمان مجاز به اجرای تصمیمات دولت در حد منابع موجود خود می‌باشد و بیش از آن تکلیفی بر عهده ندارد.

با توجه به جمع‌بندی جهت مذکور، صراحت مذکور در قانون ماده واحده فوق‌الشاره مبنی بر تعیین مهلت آلاینده زدایی برای کارگاه‌هایی که پیش از تصویب قانون تشکیل شده همچنین تکلیف به شناسایی کارگاه‌های مشمول توسط مراجع ذی صلاح، اعطای اختیار به وزارتین تعاون، کار و رفاه اجتماعی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دولت برای تهیه و تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون برای تشخیص مشاغل سخت و زیان‌آور، بخشنامه صادره به کل مغایرتی با قانون ماده واحده قانون کار و تأمین اجتماعی و سایر قوانین و مقررات موضوعه نداشته بلکه در انطباق کامل با آنها قرار دارد که بر صیانت از نیروی کار و رعایت ایمنی و بهداشت کار و استانداردها تأکید نموده است. از این رو رد دادخواست و شکایت مطروحه مورد استدعاست. در ضمن خواهشمند است به منظور ارائه توضیحات تکمیلی در هنگام طرح موضوع در هیأت تخصصی و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از نماینده این سازمان دعوت به عمل آورند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: براساس بند (الف) قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶ مصوب سال ۱۳۷۱ مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۴ «کارهای سخت و زیان‌آور کارهایی است که در آنها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار، غیراستاندارد بوده و در اثر اشتغال کارگر تشنجی به مراتب بالاتر از ظرفیت‌های طبیعی (جسمی و روانی) در وی ایجاد گردد که نتیجه آن بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن بوده و بتوان با به کارگیری تمهیدات فنی، مهندسی، بهداشتی و ایمنی و غیره صفت سخت و زیان‌آور بودن را از آن مشاغل کاهش یا حذف نمود.» در بند (ب) قانون مذکور نیز حمایت‌هایی که شاغلین در مشاغل سخت و زیان‌آور از آنها برخوردار می‌گردند ذکر گردیده و در هیچ یک از بندهای قانون مذکور، تفکیکی مابین کارگاه‌هایی که قبل از تصویب این قانون وجود داشته‌اند و کارگاه‌هایی که بعد از تصویب آن ایجاد گردیده‌اند به لحاظ برخورداری از حمایت‌های قانونی وجود نداشته است. از طرفی ممکن است عوامل موثر بر وصف سخت و زیان‌آوری یک شغل در زمان بعد از تاسیس کارگاه حادث گردد. ثانیاً: براساس مواد ۳ و ۸ آیین‌نامه اجرایی بند ۵ جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶ مصوب سال ۱۳۷۱ - مصوب سال ۱۳۸۰ مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ هیأت وزیران،

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱/۱۷ شماره دادنامه: ۸۶ شماره پرونده: ۹۸۰۲۸۳۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: آقایان جمشید سربازجمشید، مهدی حسن زاده خانمیری و باب اله نجفی
موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۲/۷ شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز مندرج در بند ۵ - ۲ اطلاعیه دانشگاه در خصوص حد نصاب مرحله دوم آزمون نیمه متمرکز دکتری سال ۱۳۹۸

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواستی ابطال مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۲/۷ شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز مندرج در بند ۵ - ۲ اطلاعیه دانشگاه در خصوص حد نصاب مرحله دوم آزمون نیمه متمرکز دکتری سال ۱۳۹۸ را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

" مشروحاً به استحضار می‌رساند از زمان برگزاری آزمون دکتری تخصصی به‌صورت نیمه متمرکز طی سالهای مختلف رویه‌های متفاوتی در پذیرش دانشجو و تبعاً چگونگی احتساب تاثیر نمره مرحله آزمون متمرکز و مرحله مصاحبه مورد عمل قرار می‌گرفت که به دلیل اعمال سلیقه‌های متعدد از جانب دانشگاه‌ها در پذیرش نهایی دانشجویان و جهت جلوگیری از بی‌عدالتی و اجحاف در حق آن دسته از دانشجویان، نهایتاً مجلس شورای اسلامی برای پایان دادن به این موضوع و ایجاد رویه واحد وارد عمل شده و قانون «سنجش و پذیرش دانشجو در دوره تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» را در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ به تصویب رسانید. بند (پ) ماده ۱ این قانون در واقع هدف غایی از تصویب آن را «ایجاد وحدت رویه و هماهنگی در بین دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی و ایجاد فضای رقابتی یکسان و برقراری عدالت آموزشی برای کلیه داوطلبان تحصیلات تکمیلی» بیان نموده و در بند (الف) ماده ۵ معیار پذیرش دانشجو در دوره دکتری آموزشی - پژوهشی را عبارت از ۵۰ درصد نمره آزمون متمرکز، ۲۰ درصد نمره سوابق آموزشی، پژوهشی و فناوری و ۳۰ درصد نمره مصاحبه علمی و بخش عملی ذکر کرده و در واقع قبولی نهایی در دانشگاه را تابع ۵۰ درصد نمره آزمون متمرکز سازمان سنجش و ۵۰ درصد مصاحبه تخصصی دانشگاه (مصاحبه و بررسی سوابق آموزشی و پژوهشی) دانسته است. یعنی بایستی در نمره نهایی دانشجویان پذیرفته شده نمره آزمون متمرکز به میزان ۵۰ درصد اعمال نقش نماید. حال آن که تعدادی از دانشگاه‌ها از

۵ - ۲- در خصوص حد نصاب مرحله دوم (مصاحبه علمی و سنجش عملی و بررسی سوابق آموزشی، پژوهشی و فناوری) برای پذیرش در دوره‌های روزانه امتیاز ۲۵ از ۵۰ و برای دوره‌های نوبت دوم و پردیس‌های دانشگاه امتیاز ۲۰ از ۵۰ به تصویب رسید و مقرر شد مراتب به سازمان سنجش آموزش کشور اعلام شود. امتیاز دهی طبق فرمهای شماره ۲ و ۳ جداول مشروحه مربوطه صورت خواهد پذیرفت.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس دانشگاه تبریز به موجب لایحه شماره ۵۱۹۹/ص - ۱۳۹۸/۱۱/۲۷ توضیح داده است که:

" ۱- به استناد بند (ت) ماده ۱ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ابلاغی مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۸، اعلام نتایج قبولی در آزمون دکتری بر عهده سازمان سنجش آموزش کشور می‌باشد و دانشگاه تبریز نیز با توجه به اعلام سازمان یاد شده، نسبت به انجام مصاحبه اقدام و نتایج مصاحبه کلیه داوطلبین بدون اعمال حد نصاب، به سازمان ارسال نموده است. سازمان سنجش آموزش کشور رأساً نمرات کل داوطلبین را محاسبه نموده و پذیرفته شدگان نهایی برای ثبت نام به دانشگاه تبریز معرفی نموده است. بنابراین دانشگاه تبریز اختیار قانونی ندارد تا رأساً اقدام به ثبت نام داوطلبی نماید. بر اساس طرف شکایت شاکیان می‌بایست سازمان سنجش آموزش کشور قرار می‌گرفت.

۲- با توجه به شکایت اخیر احد از شکات در این خصوص که منجر به صدور دادنامه شماره ۱۴۸۷-۱۳۹۸/۲/۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری گردید، مراتب در اجرای دادنامه مذکور طی نامه شماره ۴۲۱۹/ص - ۱۳۹۸/۹/۲۰ به دادرسی محترم شعبه ۵ اجرای احکام دیوان عدالت اداری منعکس گردیده است.

۳- متعاقباً با توجه به اینکه دانشگاه‌ها هیچ نقشی در تصویب، ابلاغ و اعمال حد نصاب آزمون دکتری ندارند، موضوع صدور دادنامه یاد شده طی نامه ۳۸۶۸/ص - ۱۳۹۸/۸/۲۹ به رئیس سازمان سنجش آموزش کشور جهت اجرای مفاد دادنامه صدرالذکر در خصوص آقای جمشید سربازجمشید ارسال گردیده است.

علیهذا با توجه به مراتب معروضه و جمیع جهات قانونی فوق‌الذکر و با عنایت به اینکه صدور شیوه‌نامه اجرایی پذیرش دانشجوی دکتری، امکان یا عدم امکان تعیین حد نصاب و اعمال آن از سوی سازمان سنجش آموزش کشور صورت می‌گیرد و هیچ ارتباطی به دانشگاه‌ها ندارد، لذا به دلیل عدم ارتباط موضوع و به استناد بند (پ) ماده ۵۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، رد شکایت شاکی مورد استدعاست.

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

مطابق حکم ماده ۵ قانون سنجش پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴ پذیرش نهایی دانشجو در مقطع دوره‌های دکتری تخصصی به شیوه آموزش و پژوهش بر اساس تاثیر ۵۰ درصدی آزمون سازمان سنجش و تاثیر ۵۰ درصدی نمره مصاحبه در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد. تعیین حد نصاب برای مرحله مصاحبه موجب می‌شود که داوطلب در صورت عدم کسب نصاب مذکور حتی در صورت کسب نمره بالای کتبی از طی مراحل پذیرش محروم شود، بنابراین موجب محدودیت حکم فوق‌الذکر قانونگذار است. رأی متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله رأی شماره ۱۸۴۲-۱۳۹۷/۹/۲۰ و رأی شماره ۱۴۸۷-۱۳۹۸/۷/۲۳ و ۱۶۹۴-۱۳۹۹/۱۱/۱۴ نیز موید مغایرت قانونی تعیین حد نصاب در مرحله مصاحبه می‌باشد. بنابر مراتب فوق مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۲/۷ شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز مندرج در بند ۵ - ۲ اطلاعیه دانشگاه در خصوص تعیین حد نصاب مرحله دوم آزمون نیمه متمرکز دکتری سال ۱۳۹۸ مغایر قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. با اعمال ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و تسری ابطال به زمان تصویب مقررات موافقت نشد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

جمله دانشگاه تبریز حتی پس از تصویب این قانون با اعمال رویه «قرار دادن حد نصاب برای قبولی در مرحله دوم» عملاً و صراحتاً موجب نقض قانون فوق‌الاشعار گردیده و در نهایت باعث پذیرش داوطلبان با نمره پایین‌تر نهایی و مردودی داوطلبان با نمره بالاتر نهایی می‌شوند. قطعاً ذکر چند مثال و نمونه کمک شایانی به روشن‌تر شدن مساله و تشخیص اذهان حضرات خواهد گردید. به عنوان مثال اگر نفر اول آزمون دکتری را در نظر بگیریم که برای مصاحبه به دانشگاه تبریز دعوت شده و موفق به کسب حد نصاب قرار داده شده که معمولاً نمره ۲۵ می‌باشد نشود و مثلاً نمره او ۲۴/۵ باشد، از رقابت با سایر داوطلبان به طور اتوماتیک کنار گذاشته می‌شود و فرد دیگر با رتبه مثلاً ۵۰ ولی حائز حد نصاب ۲۵/۱ در چرخه رقابت باقی بوده و نهایتاً قبول می‌شود. حال آن که نمره نهایی این دو داوطلب (حاصل جمع آزمون متمرکز و مرحله مصاحبه) به هیچ وجه قابل مقایسه نبوده و نمره نهایی فرد قبول شده از نمره نهایی فرد مردود شده بسیار پایین‌تر است. موضوعی که قطعاً و یقیناً نقض آشکار قانون صدرالاشعار و مغایر هدف و نیت مقنن از وضع آن می‌باشد. چرا که در این حالت صرفاً نمره مرحله مصاحبه در پذیرش دانشجو ایفای نقش نموده و نقش نمره آزمون متمرکز به جای وزن ۵۰ درصدی در حد معرفی داوطلب به دانشگاه تنزل می‌یابد. در واقع با رویه جاری دانشگاه‌ها هیچ گونه تفاوتی در روند پذیرش دانشجوی دکتری نسبت به قبل از تصویب قانون مورد اشاره که در راستای ایجاد عدالت آموزشی و جلوگیری از اعمال سلیقه و اجحاف در حق داوطلبان با رتبه‌های برتر وضع گردیده ایجاد نمی‌شود. این موضوع اجحاف بی شماری را در حق داوطلبین علی‌الخصوص داوطلبین حائز رتبه‌های برتر روا داشت تا اینکه نهایتاً هیأت دیوان عدالت اداری حسب شکایت احد از داوطلبین با رسیدگی و بررسی مفصل و با استدلالی در خور توجه تحت رأی شماره ۱۸۴۲-۱۳۹۷/۹/۲۰ مبادرت به ابطال دستورالعمل دانشگاه تهران در پذیرش دانشجویان دکتری نمود و طی آن صراحتاً اعمال حد نصاب در مرحله مصاحبه را غیرقانونی اعلام کرد. با این حال دانشگاه تبریز حتی پس از صدور رأی مارالذکر از گردنکشی در مقابل قانون و آرای قضایی دست نکشیده و در اقدام عجیب در آزمون سال جاری و در مرحله مصاحبه حد نصاب مرحله دوم را تصویب و به مورد اجرا گذاشت. این موضوع موجب مردودی بسیاری از داوطلبین حائز رتبه برتر و خالی ماندن ظرفیت‌های آن دانشگاه گردید. در مانحن فیه و به عنوان مثال ظرفیت روزانه رشته حقوق عمومی دانشگاه تبریز به سبب عدم کسب حد نصاب توسط هیچ یک از داوطلبین خالی مانده و اینجانبان به عنوان داوطلبین رشته حقوق عمومی دانشگاه تبریز به ترتیب علیرغم کسب رتبه اول تا سوم نمره مجموع (آزمون و مصاحبه) بین مصاحبه شونده‌گان در دانشگاه مذکور و به لحاظ عدم کسب حد نصاب تعیین دانشگاه برای دوره روزانه از قبولی در این دوره محروم گشته و نهایتاً شاکی ردیف دوم (حسن زاده) به کلی مردود شده و شکات ردیف اول و سوم (سرباز جمشید و نجفی) در دوره شبانه رشته فوق‌الاشعار پذیرفته شده‌ایم. حال آن که اگر اعمال غیرقانونی حد نصاب نمی‌بود اینجانبان در دوره روزانه و دو نفر از سایر داوطلبین در دوره شبانه پذیرفته می‌شدند. انهایه و با عنایت به اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال مصوبه شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز مندرج در بند ۵ - ۲ اطلاعیه اینترنتی دانشگاه مذکور در خصوص مرحله دوم آزمون نیمه‌متمرکز دکتری سال ۱۳۹۸ به لحاظ مغایرت آشکار با نص صریح قانون «سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» و رأی هیأت دیوان با مد نظر قرار دادن ماده ۱۳ قانون دیوان و تسری اثر ابطال به زمان تصویب مصوبات فوق به لحاظ تضییع حقوق بسیاری از داوطلبان به دلیل اعمال این مصوبه در آزمون دکتری، همچنین صدور دستور موقت مبنی بر الزام دانشگاه تبریز به ثبت نام اینجانبان در دوره روزانه دکتری حقوق عمومی دانشگاه تبریز تا تعیین تکلیف نهایی پرونده حاضر از محضر عالیجانبان مورد استدعا می‌باشد.

متن مقرر در مورد شکایت به شرح زیر است:

" اطلاعیه دانشگاه تبریز در خصوص مرحله دوم (مصاحبه علمی و سنجش عملی و بررسی سوابق آموزشی، پژوهشی و فناوری) آزمون نیمه متمرکز دکتری سال ۱۳۹۸

۵ - شرایط اختصاصی دانشگاه تبریز:

شماره ۹۶۰۰۷۷۹

۱۴۰۰/۲/۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۰۸۸ مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۱ با موضوع: «ابطال بند (د) ماده ۲، بند (چ) ماده ۳، بند (ت) ماده ۴ آیین نامه اجرایی هیأت های حل اختلاف و نحوه رسیدگی به شکایات از شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۸ هیأت وزیران» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱/۲۱ شماره دادنامه: ۸۸ شماره پرونده: ۹۶۰۰۷۷۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم ساعده محمدزاده

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند (د) ماده ۲، بند (چ) ماده ۳، بند (ت) ماده ۴ آیین نامه اجرایی هیأت های حل اختلاف و نحوه رسیدگی به شکایات از شوراهای اسلامی (موضوع تصویب نامه شماره ۱۵۹۲۹۷/ت/۵۱۸۵۹ هـ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۵) هیأت وزیران

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بندهای (الف، ب، ح، خ، د) ماده ۲، بندهای (الف، ب، ج، چ) ماده ۳، بند (ب، پ، ت) ماده ۴، مواد (۵ و ۶)، قسمت اخیر ماده ۷، قسمت اخیر بند (الف) ماده ۱۰ و ماده ۱۸ از مصوبه شماره ۱۵۹۲۹۷/ت/۵۱۸۵۹ هـ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۵ هیأت وزیران تحت عنوان آیین نامه اجرایی هیأت های حل اختلاف و نحوه رسیدگی به شکایات از شوراهای اسلامی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

۱- مطابق قسمت اخیر ماده ۸۰ قانون شوراها، مصوبات مورد اختلاف شورا برای تصمیم گیری نهایی به هیأت حل اختلاف ذی ربط ارجاع می شود. در تبصره ۳ بند ۱ ماده ۷۱ همین قانون نیز آمده است که موضوع اصرار بر شهردار معرفی شده توسط شورای شهر به هیأت حل اختلاف ذی ربط ارجاع خواهد شد. این هیأت ها در بندهای سه گانه ماده ۷۹ مشخص شده اند. لذا بندهای (الف) مواد ۲ و ۳ آیین نامه که صلاحیت رسیدگی و تصمیم گیری در خصوص اصرار شوراهای اسلامی شهرهای با جمعیت بیش از ۲۰۰ هزار نفر و مراکز استان ها را در مورد شهردار معرفی شده، از هیأت حل اختلاف استان سلب و علاوه بر شهر تهران به هیأت مرکزی محول نموده است مغایر با قانون می باشد.

۲- طبق ماده ۸۰ و تبصره های ۴، ۵ و ۶ اصلاحی قانون مذکور، اعتراض به شوراهای روستا، بخش، شهر و شهرستان اساساً توسط هیأت های تطبیق ذی ربط صورت می گیرد، بنابراین بندهای (ب) مواد ۲، ۳ و ۴ آیین نامه مذکور که کماکان حق اعتراض به مصوبات شوراهای شهر را برای فرماندار یا شورای استان و ... محفوظ داشته است مغایر با قانون اصلاح شده است.

۳- بند (ح) ماده ۲ آیین نامه که ابطال مصوبات مغایر شرع را آن هم مطابق نظر مطلق اعضای شورای نگهبان در صلاحیت هیأت مرکزی دانسته، مغایر قسمت اخیر تبصره ۶ الحاقی ۱۳۹۵/۲/۲۰ ماده ۸۰ قانون می باشد که صلاحیت نظارت شرعی بر مصوبات شوراها صرفاً به فقهای شورای نگهبان محول شده است.

۴- بند (خ) ماده ۲، بند (ج) ماده ۳ و بند (پ) ماده ۴ آیین نامه که برای مقامات وزارت کشور اختیار تام و یکسان در پیشنهاد و بالتبع صلاحیت هیأت های حل اختلاف در رسیدگی به مطلق موارد ارجاعی وزارت کشور قایل است مغایر تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۹ و بندهای ۲ و ۳ ماده ۸۲ مکرر (قانون مذکور دائر بر پیشنهاد وزیر کشور در مورد اتهامات اعضای شوراهای استان و عالی استان ها و سایر مقامات وزارت کشور در سایر تخلفات که می توانند با رعایت مقررات مربوط پیشنهاد رسیدگی را به هیأت حل اختلاف ذی ربط نمایند.

۵- بند (د) ماده ۲، بند (چ) ماده ۳، بند (ت) ماده ۴ آیین نامه که قایل به صلاحیت کلیه هیأت های حل اختلاف در رسیدگی به شکایات مطلق اشخاص در مورد انحراف هر یک از شوراهای می باشد، مغایر ماده ۸۱ قانون می باشد که مقرر داشته، شوراهای روستا در صورت انحراف از وظایف، بنا به پیشنهاد کتبی فرماندار توسط هیأت حل اختلاف استان و سایر شوراهای بنا به پیشنهاد هیأت حل اختلاف استان و تصویب هیأت مرکزی حل اختلاف منحل می شوند. - بر اساس بند (۱) ماده ۸۲ مکرر ۱ قانون، در مورد اتهامات اعضای شوراهای اسلامی روستا و بخش، موضوع به پیشنهاد شورای شهرستان و یا فرماندار توسط هیأت حل اختلاف استان رسیدگی می شود. لذا بند (ب) ماده ۴ آیین نامه که اظهار

داشته هیأت حل اختلاف شهرستان در این خصوص صلاحیت رسیدگی دارد فاقد محمل قانونی است.

۷- به موجب قسمت اخیر بند ۱ اصلاحی ماده ۷۹ قانون، هیأت مرکزی در اولین جلسه، یک رئیس و یک نائب رئیس از بین خود انتخاب خواهد نمود. لذا ماده ۵ آیین نامه دائر بر تعیین هیأت رئیسه در هیأت های استان و شهرستان و قید فعالیت یک ساله در این سمت ها، خارج از حدود اختیارات هیأت وزیران بوده است.

۸- وفق بند ۱ اصلاحی ماده ۷۹ قانون هیأت مرکزی حل اختلاف متشکل از نه نفر می باشد که جلسه این هیأت با غیبت سه عضو نیز رسمیت می یابد و ممکن است رئیس یا نایب رئیس یکی از سه عضو غائب باشند لذا ماده ۶ آیین نامه که حضور ایشان را برای رسمیت جلسات الزامی می داند، محمل قانونی ندارد.

۹- با مراجعه به قسمت اخیر استفساریه ماده ۷۹ قانون (مصوب ۱۳۹۵/۸/۱۲) به نظر می رسد علاوه بر آراء مثبت و منفی اعضای هیأت نسبت به پیشنهاد مرجع قانونی، آراء ممتنع نیز در تصمیم گیری هیأت مؤثر است. بنابراین قسمت اخیر ماده ۷ آیین نامه که اعتبار تصمیمات هیأت را با اکثریت مطلق آرای مثبت حاضرین موکول نموده است خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است.

۱۰- قسمت اخیر بند (الف) ماده ۱۰ آیین نامه دائر بر ارسال نسخه ای از پرونده ها برای اعضاء هیأت قبل از تشکیل جلسه، قطع نظر از اینکه ممکن است خلاف نشر اسرار خصوصی یا اسناد رسمی و محرمانه دولتی و ... باشد مغایر احکام سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و ... در خصوص صرفه جویی در هزینه های عمومی است.

۱۱- طبق تبصره ۲ ماده ۴۶ قانون، مراجع ذی ربط از قبیل اداره اطلاعات، نیروی انتظامی و ... موظف هستند ظرف مدت ۱۰ روز، از تاریخ وصول استعلام، نسبت به موارد استعلام کتباً پاسخ دهند، لذا ماده ۱۸ آیین نامه که مدت مذکور را به یک ماه افزایش داده، صحیح نیست.

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری برای شاکي ارسال شده بود، وی به موجب لایحی که به شماره ۱۹۰۶ - ۱۳۹۶/۹/۲۱ و ۲۶۴۱ - ۱۳۹۷/۲/۲۲ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت های تخصصی شده، پاسخ داده است که:

" قانون اساسی، دو نوع نظارت را برای شورای نگهبان بر شمرده است: نوع اول «نظارت قانونی» که نظارت بر قوانین و مصوبات از لحاظ عدم مغایرت آن با قانون اساسی است. نوع دوم «نظارت شرعی» که نظارت بر قوانین و مقررات از لحاظ عدم مغایرت آن با احکام شرعی است. به استناد اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشخیص عدم مغایرت قوانین و مقررات با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان طبق اصول ۷۲، ۸۵ و ۹۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. همان گونه که در بند ۳ دادخواست تصریح گردید بر اساس قسمت اخیر تبصره ۶ الحاقی ۱۳۹۵/۲/۲۰ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، صلاحیت نظارت شرعی بر مصوبات شوراها صرفاً به فقهای شورای نگهبان محول شده است لکن بند (ح) ماده ۲ آیین نامه اجرایی هیأت های حل اختلاف و نحوه رسیدگی به شکایات از شوراهای اسلامی که اولاً: اعلام مغایرت شرعی مصوبات را بر اساس نظر همه اعضای شورای نگهبان مقرر داشته مغایر با قانون اساسی و قانون مذکور است. ثانیاً: بر اساس ماده ۱۹ آیین نامه داخلی شورای نگهبان: «سوال های فقهی دیوان عدالت اداری و قضات درباره مغایرت قوانین و مقررات با شرع حسب مورد از طریق رئیس دیوان و رئیس قوه قضاییه به شورای نگهبان ارسال می شود». با عنایت به اینکه نحوه وصول مصوبات شوراهای اسلامی و پاسخ به آنها در این آیین نامه مسکوت است لذا ورود هیأت وزیران به این حیطه و ایجاد حق انحصاری اعتراض و ابطال مصوبات مغایر شرع صرفاً برای هیأت مرکزی حل اختلاف و رسیدگی به شکایات از شوراهای اسلامی کشور و تبعاً سلب این اختیارات از سایر مراجع قانونی اعتراض حرمت شرعی دارد. علی هذا ابطال آیین نامه معترض عنه را استدعا دارم.

متن مقرره های مورد اعتراض به شرح زیر است:

" وزارت کشور - شورای عالی استان ها

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۵/۱۲/۸ به پیشنهاد شماره ۱۲۳۹۷ - ۱۳۹۴/۲/۶ وزارت کشور و به استناد ماده ۹۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران - مصوب ۱۳۷۵ - با اصلاحات بعدی آن، آیین نامه اجرایی هیأت های حل اختلاف و نحوه رسیدگی به شکایات از شوراهای اسلامی را به شرح زیر تصویب کرد:

صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

«رسیدگی به بندهای (د) ماده ۲، (چ) ماده ۳، (ت) ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی هیأت‌های حل اختلاف و نحوه رسیدگی به شکایات از شوراهای اسلامی (موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۵۹۲۹۷/ت/۱۵۸۵۹هـ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۵ هیأت وزیران) در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

بر مبنای ماده ۸۹ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، به منظور رسیدگی به شکایات مبنی بر انحراف شوراها از وظایف قانونی، هیأت‌هایی به نام هیأت‌های حل اختلاف و رسیدگی به شکایات در سطح کشور، استان و شهرستان تشکیل می‌شوند و مطابق ماده ۹۱ همین قانون: «هرگاه شورا اقداماتی برخلاف وظایف مقرر یا مخالف مصالح عمومی کشور و یا حیف و میل و تصرف غیرمجاز در اموالی که وصول و نگهداری آن را به نحوی به عهده دارد انجام دهد، به پیشنهاد کتبی فرماندار موضوع جهت انحلال شورا به هیأت حل اختلاف استان ارجاع می‌گردد و هیأت مذکور به شکایات و گزارش‌ها رسیدگی و در صورت احراز انحراف هر یک از شوراهای روستاها، آن را منحل می‌نماید و در مورد سایر شوراها در صورت انحراف از وظایف قانونی، بنا به پیشنهاد هیأت استان و تصویب هیأت حل اختلاف مرکزی منحل می‌گردند.» نظر به اینکه بر مبنای حکم مقرر در ماده ۹۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، اعلام انحراف شوراها از وظایف قانونی خود در صلاحیت فرماندار و هیأت حل اختلاف و رسیدگی به شکایات استان است، بنابراین بند (د) ماده ۲، بند (چ) ماده ۳ و بند (ت) ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی هیأت‌های حل اختلاف و نحوه رسیدگی به شکایات از شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۸ هیأت وزیران که صلاحیت مزبور را به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی تسری داده، خلاف قانون و خارج از اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

۱۴۰۰/۲/۷

شماره ۹۸۰۴۴۳۸

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۱ مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۱ با موضوع: «ابطال ردیف ۱ ماده ۱۹ مصوبه شماره ۱۵۴۰۸/۱۴ - ۱۳۹۸/۹/۶ شورای اسلامی شهر دلیجان از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱/۲۱ شماره دادنامه: ۱۰۱ شماره پرونده: ۹۸۰۴۴۳۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: موسسه اعتباری نور با وکالت خانم ندا حکیمی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ردیف ۱ ماده ۱۹ مصوبه شماره ۱۵۴۰۸/۱۴ -

۱۳۹۸/۹/۶ شورای اسلامی شهر دلیجان

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال ماده ۱۹ مصوبه شماره ۱۵۴۰۸/۱۴ -

۱۳۹۸/۹/۶ شورای اسلامی شهر دلیجان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است:

«هر چند که مطابق بند ۱۶ از ماده ۷۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵، تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن از جمله وظایف شوراهای اسلامی شهرها است و حکم مقرر در تبصره ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال

آیین‌نامه اجرایی هیأت‌های حل اختلاف و نحوه رسیدگی به شکایات از شوراهای اسلامی

ماده ۲- هیأت مرکزی در موارد زیر صلاحیت رسیدگی و اتخاذ تصمیم دارد:

د- شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی مبنی بر انحراف شورا از وظایف و اختیارات قانونی.

ماده ۳- هیأت استان در موارد زیر صلاحیت رسیدگی و اتخاذ تصمیم دارد:

چ- شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی مبنی بر انحراف شورا از وظایف و اختیارات قانونی.

ماده ۴- هیأت شهرستان در موارد زیر صلاحیت رسیدگی و اتخاذ تصمیم دارد.

ت- شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی مبنی بر انحراف شورا از وظایف و اختیارات قانونی

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون امور حقوقی دولت (معاونت حقوقی رئیس‌جمهور)

به موجب نامه شماره ۳۵۲۷۳/۲۹۹۳۷ - ۱۳۹۷/۳/۱۰ به طور خلاصه توضیح داده است که:

۱- در رابطه با ایراد بند ۱ شکواییه، با توجه به موقعیت سازمانی اشخاص طرف اختلاف (وزیر کشور/استاندار/با شورای شهر ذی‌ربط)، مرجع صالح برای رسیدگی به این اختلاف در بندهای (الف) مواد ۲ و ۳ آیین‌نامه هیأت مرکزی حل اختلاف تعیین شده است که مغایرتی با قانون ندارد. در ضمن عبارت انتهایی تبصره ۳ ماده ۷۱ قانون، دایر بر لازم الاجرا بودن تصمیم اتخاذی برای طرفین (وزارت کشور و شورای شهر) نیز مبین دیگری بر صلاحیت هیأت مرکزی می‌باشد.

۲- در خصوص بند ۲ شکواییه، لازم به توضیح است، به صراحت تبصره ۱ ماده ۸ قانون که بیان می‌دارد: «اعتراض در مورد مصوبات شورای روستا و بخش توسط بخشدار یا شورای شهرستان، در مورد مصوبات شورای شهر و شهرستان توسط فرماندار و یا شورای استان ... صورت می‌گیرد.» ایراد شاکی محل تأمل است.

۳- در رابطه با بند ۳ شکواییه، لازم به ذکر است، برابر تبصره ۲ ماده ۸۰ قانون «قطعی شدن مصوبات شورا، مانع از طرح رسیدگی آن دسته از مصوبات مغایر قانون در هیأت مرکزی حل اختلاف توسط اشخاص نمی‌باشد.» با توجه به این ماده و اینکه برابر اصول ۴ و ۱۰۵ قانون اساسی، تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد، لذا مصوبات مغایر با شرع نیز به جهت مغایرت با اصول یاد شده قانون اساسی، قابل طرح در هیأت مرکزی است.

۴- در خصوص بند ۴ و ۵ لایحه شاکی، باید اشعار داشت ماده ۸۱ و بندهای ۲ و ۳ ماده ۸۲ مکرر (۱) قانون، به صلاحیت هیأت‌ها در رسیدگی به انحرافات شوراها با شکایت و گزارش اشخاص به صورت کلی تصریح کرده است لذا مغایرتی وجود ندارد.

۵- در خصوص بند ۶ لایحه، همانگونه که در صدر ماده ۸۲ مکرر ۱ آمده، هیأت شهرستان نسبت به اتهامات مربوطه بدو رسیدگی نموده و چنانچه نتیجه رسیدگی هیأت منتهی به احراز تخلف گردد، در این صورت جهت صدور حکم مجازات، رعایت قسمت اخیر بند (۱) ماده ۸۲ مکرر ۱ یاد شده (تصویب هیأت حل اختلاف استان)، ضروری می‌گردد. در ضمن با توجه به تبصره ۱ ماده ۸۲ همان قانون به صلاحیت این هیأت‌ها در شروع به رسیدگی تصریح شده است. لذا استنباط شاکی در عدم صلاحیت هیأت شهرستان در رسیدگی به تخلفات صحیح نیست. - در خصوص بندهای ۷ و ۸ و ۹ لایحه، با عنایت به اینکه موضوعات مورد اشاره به لحاظ ضرورت تدوین ضوابط لازم جهت اداره جلسات هیأت‌های موصوف وضع گردیده است با توجه به ماده ۹۷ قانون (صلاحیت دولت در وضع آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون) مغایرتی با قانون مشاهده نمی‌شود.

۷- در خصوص بند ۱۰ لایحه نیز ارسال مکاتبات، از موارد بدیهی اتخاذ تصمیمات اداری است که مغایرتی با قانون و سیاست‌های کلی ندارد.

۸- ایراد بند ۱۱ در خصوص مغایرت ماده ۱۸ آیین‌نامه با تبصره ۲ ماده ۴۶ قانون نیز مسموع نیست چرا که مستند قانونی مذکور، منحصر به تکلیف هیأت‌های اجرایی ذی‌ربط در استعلام صلاحیت داوطلبین عضویت در شوراها از مراجع مربوطه است و در این زمینه قابل استناد نمی‌باشد. لذا حکم به رد شکایت مطروحه مورد استدعاست.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب

سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود

و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۴۵۴ - ۱۳۹۹/۱۲/۳ بندهای (الف، ب، ح، خ)

ماده ۲، بندهای (الف، ب، ج) ماده ۳، بند (ب و پ) ماده ۴، مواد (۵ و ۶) قسمت اخیر ماده

۷، قسمت اخیر بند (الف) ماده ۱۰ و ماده ۱۸ مصوبه شماره ۱۵۹۲۹۷/ت/۱۵۸۵۹هـ -

۱۳۹۵/۱۲/۱۵ هیأت وزیران تحت عنوان آیین‌نامه اجرایی هیأت‌های حل اختلاف و نحوه

رسیدگی به شکایات از شوراهای اسلامی را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت

ساختمان‌ها اعم از ساختمان بانکها و مؤسسات اعتباری ملاک است در چهارچوب تقسیم‌بندی عوارض سالیانه بانکها و مؤسسات مالی اعتباری و با مقیاس ریالی ای فراتر از مبالغ وضع شده بر دیگر ساختمان‌ها تعیین گردیده است!

بانکها و مؤسسات مالی اعتباری به منظور کاهش هزینه‌های درون شهری و تردد غیرضروری که منجر به افزایش رفت و آمد و هزینه‌های زاید می‌گردد و صرفه جویی در اوقات مردم، با صرف هزینه‌های بسیار گزاف مبادرت به خرید و نصب تجهیزات و ابزار و ادوات، جهت ایجاد توسعه بانکداری الکترونیکی نموده‌اند که این امر بر اساس فصل چهارم قانون برنامه ۵ ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) می‌باشد که دستگاه‌های اجرایی از جمله بانکها و مؤسسات مالی اعتباری مکلفند نسبت به بسط و توسعه دولت الکترونیک و تجارت الکترونیک و عرصه خدمات الکترونیک اقدام نمایند. با عنایت به این مهم هدف از نصب دستگاه‌های خودپرداز علی‌رغم تحمیل هزینه‌های گزاف (خرید و نگهداری) به بانکها و مؤسسات مالی اعتباری، ارائه خدمات بیشتر به شهروندان و تسهیل عملیات بانکی آنان جهت توسعه خدمات الکترونیکی در چهارچوب قانون برنامه ۵ ساله دولت و کاهش هزینه‌های غیرضروری برای دولت و مردم می‌باشد. لذا با توجه به این که ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع عوارض توسط شورای اسلامی شهر مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ و بندهای (پ) و (ج) آن اشعار می‌دارد شوراها مکلفند به هنگام تصمیم‌گیری راجع به عوارض علاوه بر توجه به سیاست‌های کلی که در برنامه‌های ۵ ساله و قوانین بودجه سالیانه اعلام می‌شود سیاست‌های عمومی دولت را به شرح ذیل مراعات نمایند:

- جهت گیری به سوی وضع عوارضی که به صورت مستقیم وصول می‌شوند.

- هماهنگی در وحدت رویه در نظام عوارض

که در این رابطه شورای شهر دلیجان به تصریح مقررات مذکور سیاست‌های کلی دولت را مورد توجه قرار نداده است و با تصویب عوارض دستگاه‌های عابر بانک عملاً در جهت وارد کردن خدشه اساسی به فعالیت آنها و عدم توجه به قواعد مربوط به آن در رابطه با توسعه بانکداری و تجارت الکترونیک اقدام نموده است. از آنجا که شوراها اسلامی شهر در سراسر کشور تابع قوانین واحد می‌باشند امکان تغییر مقررات موضوعه حسب مناطق جغرافیایی مختلف متفاوت نبوده و به لحاظ وحدت موضوع تنقیح مناط از آراء صدرالاشعار و به منظور تسری حکم مصرح در آن به موارد مشابه متصور است. به بیان بهتر، بر اساس قوانین موضوعه و واحد استنادی، تعبیر و تفاسیر متعارض و متضاد قابلیت استماع نداشته و نمی‌توان در برخی از شهرستان‌ها فعالیت بانکی را محلی و آنها را ملزم به پرداخت عوارض کرد و در سایر شهرستان‌ها به لحاظ محلی نبودن بانکها و مؤسسات مالی اعتباری معافیت آنها از پرداخت عوارض محلی در نظر گرفته شود که در صورت تحقق این موضوع امری خلاف انصاف و عدالت صورت گرفته و موجبات تشمت آرای مزاحم و تعارض این قسم مصوبات با مقررات و رویه متداول، را فراهم و اقتضای ابطال این قسم از مصوبات که با رویه متداول در تعارض است را به دنبال خواهد داشت. لذا ابطال ماده ۱۹ مصوبه ۱۵۴۰۸ مورد تقاضاست.

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

" ۱۹- نام عوارض: عوارض بانکها

ردیف	عنوان عوارض	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض
۱	عوارض حق افتتاح بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و قرض‌الحسنه‌ها	۲۰٪

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر دلیجان به موجب لایحه شماره ۱۰۲۵/۱۸/۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۵/۱۶ توضیح داده است که:

" برخلاف ادعای شاکی مبنی بر مطالبه شهرداری دلیجان از مؤسسه اعتباری نور جهت اخذ عوارض حق افتتاح بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و قرض‌الحسنه‌ها و عوارض فعالیت خودپرداز بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و قرض‌الحسنه‌ها اعلام می‌دارد: شهرداری دلیجان مطابق نامه‌های شماره ۱۴/۱۴۱۹۸-۱۳۹۸/۸/۲۱ و ۱۴/۱۵۴۰۸-۱۳۹۸/۹/۶ صرفاً خواستار واریز عوارض سالیانه فعالیت خودپرداز بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و قرض‌الحسنه مطابق ردیف ۲ تعرفه شماره ۱۹ تعرفه سال ۱۳۹۸ گردیده است. ثانیاً کلیه عوارض محلی تعرفه شماره ۱۹ مورد شکایت، مطابق موازین قانونی از جمله بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده به تصویب رسیده است. مطابق آراء متعدد هیات عمومی در موارد مشابه عوارض موصوف مغایر

۱۳۸۷ دلالت بر آن دارد که شوراها اسلامی شهر برای تصویب عوارض صلاحیت دارند اما این صلاحیت محدود به تعیین و تصویب عوارض محلی است و شوراها به تعیین و تصویب عوارض کشوری و ملی مجاز نبوده و در صورت عدم رعایت آن خارج از حدود اختیارات خود عمل کرده‌اند. با عنایت به مقررات فوق‌الذکر و این که حوزه فعالیت بانکها (چه بانکهای خصوصی و چه بانکهای دولتی) و مؤسسات مالی و اعتباری، غیرمحلی و کشوری است. مصوبه مذکور خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی می‌باشد. این صحیح است که عوارض شهرداری یکی از نیازهای درآمدی شهرداری جهت ارائه خدمات عمومی و اساساً عوارض، جزء درآمدهای پایدار شهرداری محسوب می‌شود. مصارف خدمات عمومی و مربوط به آحاد شهروندان است و شهرداری در اجرای وظایف ذاتی و انحصاری خود می‌بایست از این گونه عوارض پایدار تأمین و پشتیبانی نماید، اما اخذ این وجوه با توجه به آراء متعدد دیوان عدالت اداری در این رابطه و مستندات و دلایل ابرازی نباید از طریق غیرقانونی وصول گردد چنان که ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نیز مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی را از اخذ وجوه خلاف مقررات منع می‌کند و ارائه خدمات به مردم به هر قیمتی از جمله اخذ وجوه غیرقانونی ایجاد هرج و مرج می‌نماید.

موضوع مصوبه این دعوا در سال‌های گذشته کراراً در آراء گوناگون دیوان ابطال شده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء متعددی به صراحت، اصل موضوع مورد استفاده توسط شورای اسلامی شهر دلیجان جهت وضع و تعیین عوارض سالانه را غیرقانونی و مورد ابطال قرار داده است. شایان ذکر است چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده در هیأت عمومی مطرح می‌نماید. نظر به این که در رأی شماره ۱۳۷۵ الی ۲۹۳-۱۳۹۴/۳/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تعرفه عوارض سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهرهای مختلف در خصوص اخذ عوارض استقرار شعب بانکها، عوارض و بهای سالیانه، عوارض بهای خدمات افتتاح و فعالیت سالیانه، عوارض و بهای خدمات شروع به کار و عوارض نصب و سالیانه عابر بانک به لحاظ مغایرت با قانون و خروج از اختیارات ابطال شده است و شورای اسلامی شهر دلیجان بدون رعایت مفاد رأی مذکور اقدام کرده است. بنابراین مصوبه موضوع دعوای حاضر فاقد وجهت قانونی است. با عنایت به تعریف حاکم بر بهای خدمات «مبلغی است که شهرداری برابر مجوز قانونی در ازای خدمات ارائه شده به طور مستقیم از متقاضیان دریافت خدمات وصول می‌نماید.» نیز با توجه به اینکه عوارض وضع شده در ازای ارائه خدماتی صورت نپذیرفته است. بنابراین مبنای قانونی و عقلانی ای در خصوص آن مشاهده نمی‌گردد و اصولاً شهرداری در خصوص این مورد ارائه‌کننده خدمتی نمی‌باشد تا ذیحق به دریافت بهای آن باشد.

مستنداً به ماده ۴ مصوبه درآمد پایدار و هزینه شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، شوراها اسلامی شهر و بخش می‌توانند در اجرای قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مصوب ۱۳۷۵/۳/۱۰ و اصلاحیه‌های بعدی آن) برای تأمین هزینه‌های شهر و روستا نسبت به برقراری و وضع عوارض محلی اعم از عوارض بر ساختمان‌ها، مستحقات، تأسیسات، تبلیغات معابر و فضاهای شهری و روستایی و ارزش افزوده ناشی از اجرای طرح‌های توسعه شهری و روستایی و دارایی‌های غیرمنقول در محدوده و حریم شهر و محدوده روستا اقدام نمایند. عناوین عوارض با توجه به شرایط هر منطقه جغرافیایی به وسیله وزارت کشور و با همکاری شورای عالی استان‌ها حداکثر تا پایان آذرماه هر سال تهیه و توسط وزیر کشور ابلاغ می‌شود که در این خصوص استنادی به هیچ یک از مصوبات سال ۱۳۹۷ برای پرداخت در سال ۱۳۹۸ نشده است. همچنین در تبصره ۱ این ماده آمده است برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در قانون مالیات بر ارزش افزوده تکلیف مالیات و عوارض آنها تعیین شده است. یکی دیگر از استدلال‌های فاقد مبنای از سوی شورای مزبور اینست که عوارض وضع شده فارغ از فعالیت بانکها می‌باشد و صرفاً به دلیل خدمات ارائه شده بر ساختمان بانکها و مؤسسات مالی در حوزه شهرها وضع شده است. لیکن صرف نظر از آرای پیشین صادره از سوی دیوان در خصوص غیرقانونی بودن چنین عوارضی شایان ذکر است که هزینه‌های تحمیل شده تحت عنوان عوارض سالیانه بانکها که با نرخی فراتر از حد معمول تحمیل می‌گردد نشانگر اینست که بر خلاف ادعای ابراز شده دائر بر تکلیف ساختمان بانکها همانند کلیه ساختمان‌ها به پرداخت عوارض سالیانه بابت ارائه خدمات شهری است چرا اگر کلیت و شمولیت این عوارض بر تمامی

مرحله اجرا رسانده و از تقلیل ۱۰ ساعت کاری برخوردار شویم متأسفانه آبان ماه سال جاری تحصیلی این قانون با بخشنامه ۱۵۰۰۶۵ - ۷۱۰ - ۱۳۹۸/۸/۱۹ توسط وزارت آموزش و پرورش به صورت مبهم نقض شده است و حتی بخشنامه‌ای که دستور اکید مبنی بر حذف این ماده باشد به فرهنگیان معلول ارائه ندادند و با نامه نگاری داخلی و به صورت شفاهی همکاران را مجبور به برگشت ده ساعت کار با تهدید به انفصال از خدمت و به صورت تمام وقت نموده‌اند و ابلاغ ۱۴ ساعت همکاران را به ۲۴ ساعت تغییر داده‌اند. لذا با توجه به اینکه این قانون فراگیر و شامل تمامی افراد با معلولیت‌های مختلف شاغل در ارگان‌های دولتی است، درخواست پیگیری و جلوگیری از اجحاف در حق خود را داریم. چگونه است که این قانون که به تصویب مجلس شورای اسلامی و در نهایت به تصویب شورای نگهبان رسیده است به راحتی با بخشنامه‌ای مبهم و به صورت شفاهی نقض می‌شود. امیدوارم در سالی که مسئولین کمر همت به رفع مشکلات و بهبود وضعیت معلولین بسته‌اند مساعدت فرموده و نسبت به اجرای قانون حمایت از معلولین اهتمام جدی ورزند.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

”برادر ارجمند جناب آقای فولادوندرد - مدیرکل محترم آموزش و پرورش شهر تهران با سلام و احترام، بازگشت به نامه شماره ۱۴۳۳۸۷/۵۵ - ۱۳۹۸/۸/۱۱ در خصوص مشمولین ماده ۲۷ بخشنامه شماره ۱۱۰۶۱ - ۱۳۹۷/۲/۸ ریاست جمهور منضم به بخشنامه شماره ۷۱۰/۲۶ - ۱۳۹۷/۷/۱۰ اعلام می‌دارد؛ با عنایت به اینکه در ماده ۱۳ قانون نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه وقت بانوان مصوب ۱۳۶۴/۱/۱۸ به صراحت اعلام گردیده، مشمولین این قانون به هیچ وجه و تحت هیچ عنوان نمی‌توانند در جای دیگری به کار اشتغال ورزند و همچنین با عنایت به بند ۲ نامه شماره ۸۱۰/۱۰۴۳۲۲ - ۱۳۹۸/۶/۱۳ دفتر حقوقی، املاک و حمایت قضایی «ایجاد دو مزیت قانونی از بابت قانون حمایت از حقوق معلولان فاقد جواز قانونی است، لذا امکان اختصاص ساعات حق التدریس میسر نمی‌باشد.» ضمناً با عنایت به این که امور حقوقی و قوانین سازمان اداری و استخدامی کشور به صراحت اعلام نموده با توجه به وظایف خطیر شغل معلمی و تدریس، اجرای موارد ذکر شده در ماده ۲۸ قانون مذکور برای کادر آموزشی مدارس امکان پذیر نمی‌باشد، بنابراین در حال حاضر امکان اعمال تقلیل ساعت برای آنها و جاهد قانونی ندارد. - مدیرکل امور اداری و تشکیلات وزارت آموزش و پرورش”

در پاسخ به شکایت مذکور مدیرکل دفتر حقوقی، املاک و حمایت قضایی وزارت آموزش و پرورش به موجب لایحه شماره ۸۱۰/۲۳۱۸۶۴ - ۱۳۹۸/۱۲/۱۴ به طور خلاصه توضیح داده است که:

” الف - دامنه شمول قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۷/۲/۸ که در راستای حمایت از حقوق معلولان به تصویب رسیده است مطابق بند (ب) ماده ۱ آن قانون مشمول وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان بهزیستی کشور می‌باشد و این وزارت کلاً از شمول آن خارج بوده و در نتیجه مطابق بند (ب) ماده ۵۳ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری شکایت شاکی از وزارت آموزش و پرورش فاقد وجاهت قانونی است.

ب - بر اساس بند (ز) ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری و نامه شماره ۵۵۸۸۵۱ - ۱۳۹۷/۱۰/۱۱ امور حقوقی و قوانین سازمان امور اداری و استخدامی کشور تصدی شغل معلمی با سلامت جسمانی و روانی و توانایی برای انجام کار استخدام شده مشروط گردیده است که بر اساس آیین‌نامه‌ای با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. همچنین در صورتی که کارکنانی در تصدی شغل معلمی دچار معلولیت شدید و خیلی شدید بشوند استفاده توأمان آنان از کاهش ساعات عملاً امکان پذیر نبوده و مطابق نامه شماره ۷۱۰/۲۲۹۷۹۳ - ۱۳۹۸/۱۲/۱۲ اداره کل امور اداری و تشکیلات به جهت بهره‌مندی از مزایای مذکور اشتغال آنان در پست‌های اداری با رعایت شرایط احراز میسر می‌باشد. با توجه به مطالب تقدیمی فوق تقاضای رد شکایت شاکی مورد استدعاست.”

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه اولاً؛ به موجب ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ ساعات کار کارمندان دولت، چهل و چهار (۴۴) ساعت در هفته می‌باشد و به موجب ماده ۲۸ قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب سال ۱۳۹۶ دستگاه‌های مشمول مکلفند ساعات کار هفتگی شاغلان دارای معلولیت‌های شدید و خیلی شدید را ده ساعت

قانون تشخیص داده نشده است از جمله: دادنامه شماره ۲۶۶۳ - ۱۳۹۸/۹/۲۷ و ۱۰۳۳ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ و ۳۵۵ - ۱۳۹۷/۳/۱. لذا رد شکایت شاکی مورد استدعاست.”

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد و پرونده در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۲۰۹ مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۷ ردیف‌های ۲ و ۳ از ماده ۱۹ مصوبه شماره ۱۵۴۰۸/۱۴ - ۱۳۹۸/۹/۶ شورای اسلامی شهر دلیجان را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

«رسیدگی به ردیف ۱ ماده ۱۹ مصوبه شماره ۱۵۴۰۸/۱۴ - ۱۳۹۸/۹/۶ شورای اسلامی شهر دلیجان در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض افتتاحیه برای فعالان اقتصادی در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین ردیف یک از ماده ۱۹ تحت عنوان عوارض حق افتتاحیه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و قرض‌الحسنه‌ها مصوب شورای اسلامی شهر دلیجان به دلایل مندرج در رأی شماره ۱۰۹۹ - ۱۳۹۶/۱۰/۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - احمد درزی رامندی

شماره ۹۸۰۳۶۵۳

۱۴۰۰/۲/۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۱۱۵ الی ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۱۰۳ مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۱ با موضوع: «ابطال بخشنامه شماره ۷۱۰/۱۵۰۰۶۵ - ۱۳۹۸/۸/۸ اداره کل امور اداری و تشکیلات وزارت آموزش و پرورش» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱/۲۱ شماره دادنامه: ۱۱۵ الی ۱۰۳

شماره پرونده: ۹۸۰۳۶۵۹ - ۹۸۰۳۶۵۸ - ۹۸۰۳۶۵۷ - ۹۸۰۳۶۵۶ - ۹۸۰۳۶۵۵

۹۸۰۳۶۵۳ - ۹۸۰۳۶۵۴

۹۸۰۳۶۶۰ - ۹۸۰۳۶۶۱ - ۹۸۰۳۶۶۲ - ۹۸۰۳۶۶۳ - ۹۸۰۳۶۶۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: خانم‌ها: اعظم امینی، صدیقه امیدوار اشکلک، مرجان قبادی، مهدخت شریعتی، شیوا شیرافکن، هاله عابدین زاده، فاطمه دانش، مرضیه آقاخانی، افخم‌السادات رفیعی پور و آقایان: علیرضا جزء رضائیان، محسن رهبر، امین قرنلی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۷۱۰/۱۵۰۰۶۵ - ۱۳۹۸/۸/۱۹

اداره کل امور اداری و تشکیلات وزارت آموزش و پرورش

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواست‌های جداگانه‌ای ابطال بخشنامه شماره ۷۱۰/۱۵۰۰۶۵ - ۱۳۹۸/۸/۱۹ اداره کل امور اداری و تشکیلات وزارت آموزش و پرورش را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده‌اند که:

” اینجانبان از فرهنگیان ناشنوای استان تهران که در سال گذشته با وجود مانع‌تراشیها و ایجاد مشکلات متعدد از جانب مسئولین آموزش و پرورش با تلاش و پیگیری‌های مداوم موفق شدیم با تاخیر ماده ۲۸ قانون جامع حمایت از معلولین را به

۲- شاکی همچنین به موجب لایحه تکمیلی مورخ ۱۳۹۸/۷/۳۰ که به دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ارائه کرده ضمن اعلام تعارض میان دادنامه شماره ۱۴۴۴-۱۳۹۸/۵/۱۹ شعبه ۴۵ دیوان عدالت اداری از یک سو با دادنامه‌های شماره ۱۰۰۰-۱۳۹۷/۸/۲۸ شعبه ۹ دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب آبادان و ۸۳۳-۱۳۹۷/۸/۲۸ شعبه ۵ دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان آبادان از سوی دیگر تقاضای رسیدگی کرده است.

۳- متن مقررده مورد اعتراض به شرح زیر است:

«نماینده محترم سازمان در هیأت حل اختلاف واحد کار

احتراماً با توجه به اصل مجانی بودن دادرسی که از اصول مهم در رسیدگی به دعاوی کارگری محسوب می‌گردد و یقیناً منظور از اطلاق واژه نماینده در هیأت وکالت در ماده ۲۳ آیین دادرسی کار این نبوده است که اشخاص این امر را به عنوان یک شغل و حرفه و بدون مجوز از سوی مراجع صلاحیت دار در نظر گرفته و با دریافت نمایندگی از سوی یکی از اصحاب دعوا در دادگاه‌های کار به این فعالیت بپردازد و با عنایت به اینکه اخیراً وضعیت حضور برخی از نمایندگان در محل ادارات مربوط جهت اخذ نمایندگی ذهنیت‌هایی را برای اصحاب دعوا به وجود آورده است که گستردگی این موضوع و عدم کنترل این امر باعث بروز مسائل مختلف برای مراجع رسیدگی کننده و این سازمان شده است. بدین ترتیب لازم است در راستای ساماندهی امر وکالت و نمایندگی در مراجع حل اختلاف کار و جلوگیری از بروز ابهامات و مشکلات جدی از پذیرش افرادی که نمایندگی را به عنوان حرفه اختیار نموده و فاقد مجوزهای لازم از سوی مرجع حل صلاحیت‌دار می‌باشند در مراجع رسیدگی کننده به عنوان نماینده اصحاب دعوا خودداری به عمل آید.»

۴- در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر کار و خدمات اشتغال سازمان منطقه آزاد اروند به موجب لایحه شماره ۱۳۹۸/۸/۱۹ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۹ توضیح داده است که: «اولاً؛ خواهان (آرش‌هاشمی) بیش از ۱۰۰۰ کارگر شاغل در کارگاه‌های فعال در منطقه آزاد اروند بدون هیچ گونه سمت نمایندگی تحریک و باعث اخلاص در نظم عمومی و تحصن کارگران شده است و همچنین طرح عدیده کلاسه پرونده‌های ۹۶۰۹۹۸۶۳۱۳۴۰۰۸۲۸، ۹۶۰۹۹۸۶۳۱۳۴۰۰۸۲۸، ۹۶۰۹۹۸۶۳۱۳۴۰۰۸۲۸، ۹۶۰۹۹۸۶۳۱۳۴۰۰۸۲۸، ۹۶۰۹۹۸۶۳۱۳۴۰۰۸۲۸ گویای این موضوع می‌باشد.

ثانیاً؛ خواهان به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۸/۸/۱۹ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۹ صادره از شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری ۲ شهرستان آبادان به اتهام اخلاص در نظم عمومی و آسایش عمومی قرار جلب به محاکمه متهم (آرش‌هاشمی) شده است و همچنین خواهان به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۸/۸/۱۹ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۹ صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ شهرستان خرمشهر به اتهام مداخله در امر وکالت به پرداخت مبلغ هجده میلیون ریال جزای نقدی (بدل از شش ماه حبس تعزیری) در حق صندوق دولت جمهوری اسلامی ایران شده است و رأی صادر شده در مرحله بدوی به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۸/۸/۱۹ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۹ صادره از شعبه ۱۸ دادگاه تجدید نظر خوزستان تأیید شده است. بنا به مراتب فوق و با توجه به اینکه دادخواست نامبرده واهی و بی اساس می‌باشد تقاضای صدور رأی مقتضی مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف. براساس ماده ۱۶۴ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۹: «مقررات مربوط به انتخاب اعضای هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف و چگونگی تشکیل جلسات آنها توسط شورای عالی کار تهیه و به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید» و در همین راستا آیین‌نامه‌ای دادرسی کار توسط شورای عالی کار تهیه و در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۷ به تصویب وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی رسیده است. براساس بند ۵ ماده ۱ آیین‌نامه دادرسی کار، نماینده، شخص حقیقی یا حقوقی است که به موجب قرارداد یا قانون یا حکم دادگاه تعیین شده است و بر مبنای مواد ۲۲ و ۲۳ آیین‌نامه مذکور نیز هر یک از طرفین دعوا می‌توانند برای خود یک نفر نماینده تام‌الاختیار انتخاب و معرفی نمایند و نماینده منتخب شخص حقیقی است که به موجب سند رسمی یا عادی انتخاب و معرفی می‌شود. بنا به مراتب فوق و با عنایت

کاهش دهند، بنابراین چنانچه خدمت هفتگی کارمند دارای معلولیت شدید یا خیلی شدید به جهات دیگری مانند اخذ مرخصی یا خدمت نیمه وقت از ساعات موظف هفتگی کمتر باشد، بنابر اصل تناسب به همان نسبت (۱۰ ساعت نسبت به ۴۴ ساعت)، از تقلیل ساعت کاری موضوع ماده ۲۸ قانون مذکور برخوردار خواهد شد. ثانیاً؛ به موجب ماده ۸۷ ذکر شده میزان ساعات تدریس معلمان و اعضای هیأت علمی از ساعات موظف، در طرح طبقه‌بندی مشاغل ذی‌ربط تعیین می‌شود که مطابق ماده ۳ دستورالعمل میزان ساعات تدریس هفتگی شاغلین طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان موضوع مصوبه شماره ۴۳۰۷۵/۹۱/۲۲۰-۱۳۹۱/۱/۲۴ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی، خدمت تمام وقت معلمان بین ۲۴ تا ۳۰ ساعت در هفته می‌باشد. بنابراین مستفاد از مواد قانونی فوق‌الذکر معلمان دارای معلولیت‌های شدید و خیلی شدید به موجب اصل تناسب و بسته به میزان ساعت کاری از تقلیل ساعات کاری موضوع ماده ۲۸ قانون حمایت از حقوق معلولان برخوردارند و بخشنامه مورد شکایت که کاهش ساعت کار هفتگی معلولان شاغل در مشاغل آموزشی را که از جهات دیگری از کاهش ساعت اداری استفاده می‌نمایند میسر ندانسته است، به علت مغایرت مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - احمد درزی رامندی

شماره ۹۸۰۲۰۶۴

۱۴۰۰/۱/۲۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۹۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۵ با موضوع: «ابطال بخشنامه شماره ۸۵۱۷/۳/۹۷ - ۱۳۹۷/۵/۱۴ مدیرعامل سازمان منطقه آزاد اروند» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۲/۵ شماره دادنامه: ۱۹۰۰ شماره پرونده: ۹۸۰۲۰۶۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای آرش‌هاشمی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- بخشنامه شماره ۸۵۱۷/۳/۹۷ - ۱۳۹۷/۵/۱۴

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد اروند

۲- اعلام تعارض بین دادنامه شماره ۱۴۴۴-۱۳۹۸/۵/۱۹ شعبه ۴۵ بدوی دیوان عدالت اداری از یک سو با دادنامه‌های شماره ۱۰۰۰-۱۳۹۷/۸/۲۸ شعبه ۹ دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان آبادان و ۸۳۳-۱۳۹۷/۸/۲۸ شعبه ۵ دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان آبادان از سوی دیگر.

گردش کار: ۱- شاکی به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۸۵۱۷/۳/۹۷ - ۱۳۹۷/۵/۱۴

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد اروند را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

۱- به استناد مواد ۲۲ الی ۲۷ آیین دادرسی کار و نامه شماره ۱۴۸۰۰۲-۱۳۹۶/۸/۳ ریاست روابط کار ایران نیازی به داشتن پروانه وکالت دادگستری برای انجام امور نمایندگی در هیأت‌های حل اختلاف کار وجود ندارد. همچنین نمایندگان کارگران در هیأت‌های حل اختلاف به استناد بخشنامه ۶۷۳۸ - ۱۳۹۷/۹/۱۲ مدیر کل روابط کار و جبران خدمت ملزم به رعایت ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم در خصوص الزام به الصاق تمبر مالیات حق‌الوکاله کسانی که بدون داشتن پروانه وکالت دادگستری در محاکم تخصصی وکالت می‌نمایند، شده‌اند که اینجانب نیز دارای کد مالیاتی هستم. لذا مجانی بودن این فعالیت نیز منتفی است.

۲- با صدور این بخشنامه بسیاری از آرای هیأت حل اختلاف اداره کار اروند به جهت عدم رعایت ماده ۳۰ مقررات اشتغال مناطق آزاد در خصوص اعضای حاضر در رسیدگی و عدم حضور نماینده کارگر در شعب دیوان عدالت اداری نقض گردیده‌اند.

۳- در کتاب روابط کار و پاسخ ریاست روابط کار اشاره گردیده نماینده منتخب کارگران نیازی به داشتن مدرک وکالت دادگستری ندارد. لذا تقاضای ابطال بخشنامه مورد اعتراض را دارم.»

به اینکه بر مبنای موازین مقرر در آیین‌نامه‌ایین دادرسی کار مصوب سال ۱۳۹۱، اعمال نمایندگی از سوی اصحاب دعوا به طور کلی پذیرفته شده و محدودیتی در خصوص اعمال آن وجود ندارد، حکم مقرر در بخشنامه شماره ۹۷/۳/۸۵۱۷ - ۱۳۹۷/۵/۱۴ مدیرعامل سازمان منطقه آزاد اروند که دلالت بر اعمال محدودیت در پذیرش نمایندگی افراد از سوی اصحاب دعوا در دعای مضمول صلاحیت مراجع حل اختلاف کار دارد، خارج از اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۳۲۰۴

۱۴۰۰/۱/۲۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۹۳۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ با موضوع: «ابطال بخشنامه شماره ۲۲۳۵۵۵ - ۱۳۹۷/۱۱/۳ وزیر آموزش و پرورش در حدى که برقراری فوق‌العاده ویژه به جای حق‌التدریس جهت جبران حق‌الزحمه ساعت تدریس اضافی فاقد وجاهت قانونی است» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ شماره دادنامه: ۱۹۳۴ شماره پرونده: ۹۸۰۳۲۰۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای موسی فولادی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۲۲۳۵۵۵ - ۱۳۹۷/۱۱/۳ وزیر

آموزش و پرورش

گردش کار: شاکي به موجب دادخواست و لایحه‌ای ابطال بخشنامه شماره ۲۲۳۵۵۵ - ۱۳۹۷/۱۱/۳ وزیر آموزش و پرورش را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

بخشنامه مورد شکایت با بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و مصوبه شماره ۱۳۸۰۹۱/ت/۵۰۰۰ - ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ هیأت وزیران مغایرت دارد به جهت ذیل: ۱- مبنای محاسبه فوق‌العاده ویژه در بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری تا سقف ۵۰٪ و در مصوبه هیأت وزیران تا سقف ۳۵٪ است در حالی که بخشنامه مورد شکایت میزان ۱۷/۵٪ را قید کرده است. ۲- در بخشنامه مورد شکایت بر خورداری دبیران از فوق‌العاده ویژه به حداقل ۵ سال امکان خدمت تا رسیدن به شرایط بازنشستگی مشروط شده است در حالی که در بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت و مصوبه هیأت وزیران چنین شرطی پیش‌بینی نشده است. ۳- بخشنامه مورد شکایت بر خورداری از فوق‌العاده مذکور را به افزایش ۶ ساعت تدریس موظف هفتگی مشروط کرده در حالی که ماده قانونی صدرالذکر و مصوبه هیأت وزیران مطلق می‌باشد. ۴- اختیاری بودن بر خورداری از فوق‌العاده ویژه که در بند ۳ بخشنامه وزارت آموزش و پرورش به آن اشاره شده برخلاف تصریح بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون خدمات کشوری و مصوبه هیأت وزیران است. چرا که بر خورداری فوق‌العاده ویژه بر اساس بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون خدمات کشوری برای ۲۵٪ مشاغل امکان پذیر است و وزارت آموزش و پرورش قبل از ابلاغ این بخشنامه فوق‌العاده ویژه را برای کارکنان اداری اش اجرا نموده است. بنابراین فوق‌العاده ویژه باید نسبت به تمام معلمان اجراء گردد. بر اساس ماده ۴ دستورالعمل «میزان ساعت تدریس هفتگی معلمان» با داشتن ۲۰ سال سابقه آموزشی یا معاونت یا مدیریت، رسیدن به سن ۵۰ سالگی، ۴ ساعت در هفته تقلیل می‌یابد که در بخشنامه وزارت آموزش و پرورش نه تنها ساعت تدریس معلمان مذکور تقلیل پیدا نکرده بلکه ۱۰ ساعت تدریس در هفته به ساعت کاری معلمان افزوده شده است که سبب افت کیفیت آموزشی می‌شود و بر اساس ماده ۳ دستورالعمل «میزان ساعت تدریس هفتگی معلمان زیر ۲۰ سال سابقه تدریس، ۲۴ ساعت در هفته است که بر اساس بخشنامه وزارت آموزش و پرورش ۳۰ ساعت در هفته است در حالی که مشمولان تقلیل ۴ ساعت در هفته باید ۱۰ ساعت تدریس اضافی در هفته داشته باشند و کسانی که مشمول ۴ ساعت تقلیل ساعات تدریس نیستند باید ۶ ساعت اضافه تدریس کنند که امر تبعیض آمیز و بر خلاف اصل سوم قانون اساسی است.

متن بخشنامه مورد اعتراض به شرح زیر است:

”مدیر کل محترم آموزش و پرورش استان ...

با سلام و احترام، به پیوست تصویرنامه شماره ۵۵۱۴۲۴ - ۱۳۹۷/۱۰/۹ سازمان اداری و استخدامی کشور ارسال می‌شود و اعلام می‌دارد، شورای حقوق و دستمزد در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۷ به منظور جبران خدمات ناشی از افزایش ۶ ساعت تدریس موظف شاغلین مشاغل «دبیر و هنرآموز با ۳۰ ساعت تدریس در هفته» با پرداخت هفده و نیم (۱۷/۵٪) درصد فوق‌العاده ویژه موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری در اجرای تصویب‌نامه شماره ۱۳۸۰۹۱/ت/۵۰۰۰ هـ - ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ هیأت وزیران موافقت نموده، مقتضی است مراتب ذیل مدنظر قرار گیرد:

۱- بر اساس طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان کشور، ساعات موظف هفتگی دبیران و هنرآموزان کماکان ۲۴ ساعت در هفته است.

۲- دبیران و هنرآموزانی که تمایل دارند برای ساعت تدریس اضافی و جبران حق‌الزحمه، به جای دریافت وجوه حق‌التدریس از فوق‌العاده ویژه مورد اشاره استفاده نمایند، مشمول ۳۰ ساعت تدریس در هفته خواهند شد و به منظور جبران خدمات آنان، هفده و نیم درصد (۱۷/۵٪) فوق‌العاده ویژه موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری در احکام کارگزینی آن‌ها برقرار می‌گردد.

۳- به دلیل اختیاری بودن موضوع، معلمانی که از فوق‌العاده مذکور استفاده نمی‌نمایند، جبران حق‌الزحمه آنان کماکان با پرداخت حق‌التدریس انجام می‌پذیرد.

۴- فوق‌العاده مذکور مشمول کسور بازنشستگی بوده و در تعیین حقوق بازنشستگی و وظیفه و سایر پرداخت‌های قانونی مربوط نیز قابل محاسبه است.

۵- دبیران و هنرآموزان متقاضی بر خورداری از فوق‌العاده ویژه مذکور، می‌بایست حداقل ۵ سال امکان ادامه خدمت تا رسیدن به شرایط بازنشستگی تکلیفی موضوع تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری را داشته باشند.

۶- دبیران و هنرآموزانی که بر اساس طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان کشور با داشتن ۲۰ سال سابقه تدریس یا مدیریت یا معاونت یا رسیدن به سن پنجاه سالگی، مشمول ۴ ساعت تقلیل تدریس هفتگی شده یا می‌شوند چنانچه به میزان ۳۰ ساعت در هفته به امر تدریس اشتغال داشته باشند، بر خورداری آنان در صورت تمایل از فوق‌العاده ویژه بلا مانع است.

۷- جبران تدریس بیش از ۶ ساعت یا کمتر از آن در هفته کماکان به صورت حق‌التدریس قابل پرداخت خواهد بود.

۸- این شیوه‌نامه از تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱ قابل اجراء است. وزیر آموزش و پرورش ”

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی، املاک و حمایت قضایی وزارت آموزش و پرورش به موجب نامه شماره ۱۰۲۰۳۹۲۲ - ۱۳۹۸/۱۱/۱ توضیح داده است که:

”موجب لایحه دفاعیه اعلام کرده به موجب بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مقرر شده فوق‌العاده ویژه در موارد خاص با توجه به عواملی از قبیل بازار کار داخلی و بین‌المللی، ریسک پذیری، تاثیر اقتصادی فعالیت‌ها در درآمد ملی، انجام فعالیت‌ها و وظایف تخصصی و ستادی و تحقیقاتی و حساسیت کار با پیشنهاد سازمان و تصویب هیأت وزیران امتیاز ویژه‌ای برای حداکثر ۲۵٪ از مشاغل، در برخی از دستگاه‌های اجرایی تا ۵۰٪ سقف امتیاز حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مستمر مذکور در این فصل در نظر گرفته خواهد شد. بنابراین بند مذکور از لفظ «تا» استفاده کرده است که بنابر اصول مسلم حقوقی حاکی از اختیار دولت و دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری است که میزان امتیاز را تعیین می‌نماید لذا در کتابت بخشنامه تخلفی از اصول مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر بخشنامه مورد شکایت در اجرای نظریه شماره ۵۵۱۴۲۴ - ۱۳۹۷/۱۰/۹ سازمان اداری و استخدامی کشور تنظیم شده است که نظریه مزبور مقرر کرده آموزش و پرورش می‌تواند در مناطقی که با کمبود نیروی انسانی مواجه است صرفاً از تصدیان مشاغل هنرآموز و دبیر که حداقل ۵ سال امکان ادامه خدمت آنان تا زمان بازنشستگی باقی مانده با اعلام آمادگی کتبی افراد جهت خدمت ۳۰ ساعت در هفته استفاده نماید به عبارتی به منظور جبران خدمات ناشی از افزایش ۶ ساعت تدریس موظف شاغلین مشاغل (دبیر و هنرآموز) با ۳۰ ساعت تدریس در هفته به میزان ۱۷/۵ درصد فوق‌العاده ویژه موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مزبور پرداخت گردد و مشمولین بخشنامه مورد اعتراض این فوق‌العاده را علاوه بر مزایای رتبه‌بندی معلمان دریافت می‌نمایند. بنابراین درصد پرداختی مورد نظر (۱۷/۵٪) به جای وجه حق‌التدریس کاملاً منطبق با قوانین و مقررات موضوعه است. ” هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: برقراری فوق‌العاده ویژه برابر بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری: «در موارد خاص با توجه به عواملی از قبیل بازار کار داخلی و بین‌المللی، ریسک پذیری، تأثیر اقتصادی فعالیت‌ها در درآمد ملی، انجام فعالیت و وظایف تخصصی و ستادی و تحقیقاتی و حساسیت کار با پیشنهاد سازمان و تصویب هیأت وزیران امتیاز ویژه‌ای برای حداکثر (۲۵٪) از مشاغل» می‌باشد. ثانیاً: به موجب بند ۹ ماده ۶۸ قانون مذکور: «در صورتی که بنا به درخواست دستگاه، کارمندان موظف به انجام خدماتی خارج از وقت اداری گردند براساس آیین‌نامه‌ای که با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، می‌توان مبالغی تحت عنوان اضافه کار، حق التحقیق، حق التدریس، حق الترجمة و حق التألیف به آنها پرداخت نمود.» بنابراین از آنجا که شرایط برقراری فوق‌العاده ویژه متفاوت با نحوه جبران کار اضافی می‌باشد، برقراری فوق‌العاده ویژه به جای حق‌التدریس جهت جبران حق الزحمه ساعت تدریس اضافی فاقد وجهت قانونی است و مجوز شماره ۵۵۱۴۲۴ ـ ۱۳۹۷/۱۰/۹ سازمان اداری و استخدامی کشور نیز در این خصوص به جهت مغایرت قانونی ذکر شده مستند به اصل ۱۷۰ قانون اساسی قابل ترتیب اثر دادن نیست. با توجه به مراتب بخشنامه مورد شکایت در حد ذکر شده مغایر با قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - احمد درزی رامندی

شماره ۹۸۰۳۶۷۰

۱۴۰۰/۱/۲۱

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۹۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ با موضوع: «ابطال تبصره ۱ بند ۱-۸ دفترچه کنکور سراسری سال ۱۳۹۳» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ شماره دادنامه: ۱۹۳۵ شماره پرونده: ۹۸۰۳۶۷۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم مریم بهرامی با وکالت خانم زهرا سلطانی فرد

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره ۱ بند ۱-۸ دفترچه کنکور سراسری سال ۱۳۹۳

گردش کار: خانم زهرا سلطانی فرد به وکالت از خانم مریم بهرامی به موجب دادخواستی ابطال تبصره ۱ بند ۱-۸ دفترچه کنکور سراسری سال ۱۳۹۳ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً به وکالت از خانم مریم بهرامی به استحضار می‌رسانم موکل به عنوان فارغ‌التحصیل رشته کامپیوتر دوره کارشناسی در دانشگاه اهواز بر اساس دفترچه راهنمای کنکور سراسری سال ۱۳۹۳ شرکت کرده و در دانشگاه علوم پزشکی لرستان در رشته پزشکی پذیرفته شده است که در تبصره ۱ بند ۱-۸ این دفترچه ذکر شده که فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی دوره روزانه دانشگاه‌ها، مجاز به استفاده از تسهیلات آموزش رایگان در مقطع دکترای رشته‌های علوم پزشکی نمی‌باشند و در صورت پذیرفته شدن در این رشته‌ها، ملزم به پرداخت شهریه مصوب از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهند بود.» بر همین اساس بعد از قبولی موکل از وی شهریه اخذ شده است. حال نظر به اینکه این قسمت از دفترچه کنکور بر اساس چهل و پنجمین مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی پزشکی مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۷ تنظیم شده که این مصوبه هم طبق رأی شماره ۵۸۰۰۷۳۴-۹۲۱۰۰۹۰۹۰۵۸۱۱۹۳۵-۱۳۹۲/۱۰/۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری باطل اعلام شده است و لذا با توجه به این بند از دفترچه راهنمای کنکور سال ۱۳۹۳ مخالف صریح دادنامه مذکور می‌باشد تقاضای رسیدگی و صدور حکم به ابطال آن را دارم.» متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

بند ۱-۸ - ضوابط و شرایط کلی تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی: تبصره ۱- فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی دوره روزانه دانشگاه‌ها، مجاز به استفاده از تسهیلات آموزش رایگان در مقطع دکترای رشته‌های علوم پزشکی نمی‌باشند و

در صورت پذیرفته شدن در این رشته‌ها، ملزم به پرداخت شهریه مصوب از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهند بود.

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست اداره کل حقوقی و تنظیم مقررات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۹۷۲-۱۳۹۹/۵/۲۶ توضیح داده است که:

«فرایند پذیرش دانشجوی در مقطع پزشکی عمومی از طریق آزمون سراسری و توسط سازمان سنجش آموزش کشور اقدام می‌گردد. ضمن اینکه دفترچه آزمون سراسری سال ۱۳۹۳ (راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی) که نامبرده متقاضی ابطال تبصره بند ۱-۸ آن می‌باشد نیز از سوی سازمان سنجش آموزش کشور تنظیم و انتشار یافته است. بر این اساس و با توجه به اینکه سازمان مذکور مستقل از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و از سازمان‌های تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است طرح شکایت به خواسته ابطال تبصره بند ۱-۸ دفترچه مورد اشاره به طرفیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی فاقد وجهت قانونی بوده و بر این اساس صدور قرار رد شکایت مطروحه مورد تقاضا است. صرف نظر از مراتب مذکور تبصره یاد شده، در راستای اجرای عدالت آموزشی و اصل ۳۰ قانون اساسی در دفترچه کنکور سراسری سال ۱۳۹۳ درج شده است. زیرا ظرفیت پذیرش در دانشگاه‌های سراسری که به صورت روزانه و رایگان نسبت به پذیرش دانشجوی اقدام می‌نمایند محدود و در هر سال تحصیلی مشخص می‌باشد. اصل بر این است که کلیه جوانان ایرانی که از دبیرستان فارغ‌التحصیل می‌شوند، شانس حداقل یک بار استفاده از آموزش و امکانات تحصیل رایگان و دولتی را در هر مقطع تحصیلی با توجه به استعداد و دانش مکتسبه داشته باشند، به طوری که یک فرد می‌تواند در صورت دارا بودن دانش و مهارت در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد ناپیوسته به صورت تحصیل رایگان بهره‌مند گردد. بر این اساس زمانی که یک بار در هر یک از این مقاطع تحصیلی فارغ‌التحصیل گردد، به جهت رعایت اصل انصاف و عدالت، اجازه مجدد استفاده از شرایط آموزش رایگان را در دانشگاه‌های دولتی روزانه در مقطعی که قبلاً طی کرده ندارد.

در خصوص مقطع دکترای عمومی رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی نیز همین گونه است. زیرا دوره‌های مذکور، بدین صورت می‌باشد که شخص با قبولی در این دوره‌ها، تمامی مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد را به صورت پیوسته از ابتدا طی می‌نماید بر این اساس شخصی که قبلاً در مقطع کارشناسی فارغ‌التحصیل شده است، مجدداً نمی‌تواند در مقطع پزشکی عمومی از آموزش رایگان استفاده نماید. زیرا مقطع پزشکی عمومی تمامی مقاطع مذکور را در خود دارد و حتی این امکان نیز وجود دارد که پذیرفته شده پس از ۴ سال تحصیل با اخذ مدرک معادل کارشناسی از ادامه تحصیل منصرف گردد. بنابراین مندرجات دفترچه کنکور سال ۱۳۹۳ دایر بر اخذ شهریه از پذیرفته شدگان مقطع دکترای عمومی که قبلاً یک بار در مقطع کارشناسی از آموزش رایگان استفاده کرده‌اند کاملاً در راستای عدالت آموزشی و ایجاد امکانات جهت استفاده اطفال و جوانان ایرانی از آموزش رایگان و جلوگیری از تضییع حق داوطلبانی است که برای اولین بار می‌خواهند از فرصت آموزش رایگان استفاده نمایند. بر این اساس و با توجه به مراتب فوق‌الذکر رد دعوی شاکي از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه مطابق ماده ۲ و نیز ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ و ماده ۶۰ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) اخذ هرگونه وجهی از اشخاص توسط دستگاه‌های دولتی موکل به اذن قانونگذار است و از طرفی مطابق مندرجات دفترچه، ممنوعیت ناظر به تحصیل رایگان مجدد در یک مقطع واحد می‌باشد که فاقد جواز قانونی است و همچنین هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصوبات مشابه را به شرح آراء شماره ۷۳۴-۱۳۹۲/۲/۳۰ و ۱۲۰۵ - ۱۳۹۶/۱۰/۲۲ ابطال کرده است، بنابراین تبصره ۱ بند ۱-۸ دفترچه کنکور سراسری سال ۱۳۹۳ مغایر قوانین صدرالذکر و خارج از حدود اختیارات وضع شده است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - احمد درزی رامندی